

هشدار!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



۱۰۰ تومان

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

سال سی ام - شماره ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ - نیمه اول و نیمه دوم مردادماه ۱۳۸۸

رئیس قوه قضائیه:

هیچ کس نباید جرات کند خلاف قانون حکم دهد

صفحه ۴



از سوی مقام معظم رهبری صادر شد:

حکم انتصاب آیت الله صادق لاریجانی به ریاست قوه قضائیه

با گذشت سه دهه از آغاز تشکیلات نوین دادگستری و کسب تجربیات گرانبها و آزمون و خطاهای اجتناب ناپذیر، اکنون چشمداشت سلامت ارکان و اتقان احکام و سرعت و سهولت در اجرای عدالت، از دادگستری جمهوری اسلامی، انتظاری بحق است که مسئولان این پیکره‌ی عظیم و دستگاههای جانبی آن باید در برآوردن آن با همه‌ی توان از هیچ کوشش و ابتکاری فروگذار نکنند. اینجانب بچند امیدوار است که دوران مدیریت جنابعالی با توجه به فراهم آمدن بسیاری از زیرساختهای لازم و با تکیه بر صلاحیتهای علمی و عملی آن جناب، دوران شکوفایی قوه‌ی قضائیه به شمار آید.

توفیقات جنابعالی و همکاران محترم و قضات شریف را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای
۲۳ مرداد/۱۳۸۸

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی آیت الله آقای حاج شیخ صادق آملی لاریجانی را به ریاست قوه قضائیه منصوب کردند.

متن حکم مقام معظم رهبری به این شرح است:

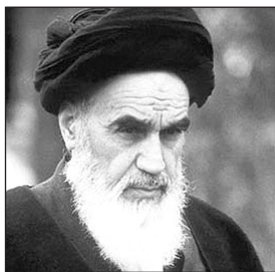
بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق آملی لاریجانی، محقق فرزانه و ارجمند دامت توفیقاته

اکنون که دوران تمدیدشده مسئولیت آیه الله آقای هاشمی شاهرودی در قوه‌ی قضائیه به پایان رسیده است، با تشکر و تقدیر از مجاهدتها و خدمات ارزنده و ماندگار ایشان، جنابعالی را که از برجستگان علمی حوزه‌ی علمیه‌ی قم و برخوردار از روحیه و توان نوآوری و ابتکار می‌باشید، بر اساس اصل یکصد و پنجاه و هفت قانون اساسی، به ریاست قوه‌ی قضائیه‌ی جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم.

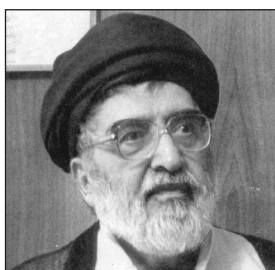
امام خمینی و مقابله
صریح با هتک
حرمت مراجع و
بزرگان دین

صفحه ۱۳



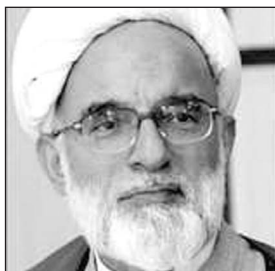
اخوان
المسلمین
و شیعه

صفحه ۶



ضرورت تطهیر
فضای سیاسی به یمن
طلوع خورشید
ضیافت الله

صفحه ۱۴





آیت الله مکارم شیرازی:

تعیین تکلیف و آزادی زندانیان اخیر لازمه رسیدن جامعه به آرامش است



به این اهداف جدا دعا می کنیم.

جناح های مختلف سیاسی انشالله سعی کنند اختلاف سلیقه ها را که معمولاً در مسائل فرعی است تبدیل به اختلاف در اصول و اهداف کلی و غیر قابل تفاهم نکنند و به جای جنگ و ستیز رسانه ای که سبب دوری هر چه بیشتر می شود در جلسات خصوصی دور هم بنشینند و برای رسیدن به تفاهم تلاش کنند و خداوند هم به آنها کمک خواهد کرد.

این مرجع تقلید گفت: فراموش نکنیم دشمنان خارجی ما اخیراً گفته بودند این روزها ایرانیان آنچنان به خود مشغولند که به چیز دیگری نمی پردازند این هشدار است به همه باید عموم علاقه مندان به نظام آنها را ناکام و مایوس سازند. در جوار حضرت ثامن الحجج(ع) دست به دعا بر می داریم برای رسیدن

و تنش را که بازار داغی دارد دامن نزنیم. این مرجع تقلید ادامه داد: به فکر آینده باشیم و بدانیم این امور علاوه بر این که موجب ناآرامی فکری مردم می شود به فعالیت های شدید لطمه وارد می کند و خسارات زیادی به دنبال دارد. ایشان اظهار داشت: برای رسیدن به آرامش بیشتر لازم است تکلیف زندانیان اخیر هر چه زودتر روشن شود آنهایی که خطایی ندارند یا خطایشان بر طبق رفت و رحمت اسلامی قابل ارفاق است هر چه زودتر آزاد شوند و امیدواریم تا نیمه شعبان میلاد مبارک حضرت مهدی (ارواحنا فدا) هیچ یک از این زندانیان در زندان نمانده باشند و آنها که جرم قابل توجهی دارند نیز از بلا تکلیفی در آیند.

آیت الله مکارم شیرازی افزود: طرفداران

آیت الله مکارم شیرازی از طرفداران جناح های مختلف سیاسی خواست اختلاف سلیقه ها را تبدیل به اختلاف در اصول و اهداف کلی نکنند و تاکید کرد: برای رسیدن به آرامش بیشتر لازم است تکلیف زندانیان اخیر هر چه زودتر روشن شود آنهایی که خطایی ندارند یا خطایشان قابل ارفاق است هر چه زودتر آزاد شوند و سایرین نیز از بلا تکلیفی در آیند.

به گزارش خبرگزاری مهر آیت الله مکارم شیرازی شب جمعه گذشته در صحن جامع رضوی در بیاناتی که بعد از ادا نماز مغرب و عشا درباره دعا شرایط اجابت دعا داشت گفت: جامعه ما بحمدالله روبه آرامش می رود مشروط بر این که از ادبیات ستیزه جویانه که اکنون حاکم بر بعضی از جراید و سایت هاست بپرهیزیم و به شیاعت دروغ

آیت الله جوادی آملی:

با مراقبت از رفتار و گفتار خود آتش اختلاف ها را شعله ور نکنیم

اختلاف علمی بین صاحب نظران که به نوعی برکت است نوع دوم اختلاف در مواردی است که اهانتی به فردی شده باشد و حقی از کسی ضایع کرده باشند که در این موارد مسئله با بخشش یک طرف و عذرخواهی طرف دیگر حل شدنی است اما اختلاف نوع سوم که منجر به عذاب الهی می شود اگر در جامعه انتفا بیافتد تنها راهش نقرین و ناله است.

ایشان در پایان با بیان اینکه اگر اختلاف در این قسم باشد باید به جنگ آن رفت خاطرنشان کرد: در جنگ با دشمن بیرونی آهن حرف اول را میزند اما در جنگ با دشمن درونی آه حرف نخست را خواهد زد اگر فردی اهل ناله و شب زنده داری باشد و دعایی کند یقیناً این آتش خاموش خواهد شد.

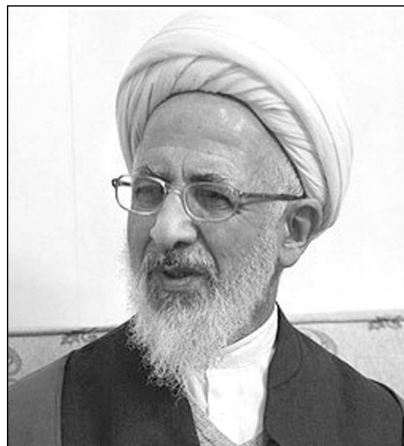
حکومت می کند که در قالب آن کشورهای یک وجبی آمریکا پایگاه نظامی دارد و در شمال کشور نیز ترکیه قرار گرفته که در آن برخی با دشمنان جمهوری اسلامی پیمان نظامی بسته اما به برکت روح امام و شهدا کشور در این میدان مین همچنان امن است.

آیت الله جوادی آملی در ادامه با بیان اینکه مبدا کسی آتش اختلاف را روشن کند تاکید کرد: هر فردی در هر جا باید تلاش کند این آتش را خاموش کند هر چند اختلاف و انتقاد وجود داشته باشد اما باید آن را دوستانه حل کرد.

ایشان با تاکید بر اینکه باید بدانیم این آتش از کجا شروع شده است اظهار داشت: آتش اختلاف در سه نوع است اول آتشی است که خاموش شدنی نیست اما ضرری ندارد مانند

روشن نکنیم تصریح کرد: مبدا حرفی بزنیم و کاری انجام دهیم که آتش اختلاف شعله ور شود. آیت الله جوادی آملی در دیدار با دانشجویان عضو اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان در شهرستان دماوند با اشاره به حوادث اخیر گفت: باید در رفتار گفتار و اعمال خود مراقب باشیم آتش اختلاف را شعله نکنیم. ایشان تصریح کرد: مبدا حرفی بزنیم و کاری انجام دهیم که این آتش اختلاف شعله ور شود که اگر چنین شود ایران نیز مانند عراق می شود که روزانه ۶۰-۵۰ نفر در آن کشته می شوند.

ایشان با تشبیه شرایط کنونی به میدان مین اذعان داشت: در شرق کشور القاعده و طالبان هستند در غرب نیز سربازان انگلیسی حضور دارند و در جنوب کشور شیوخ خلیج فارس



امام جمعه قم با بیان اینکه باید در رفتار گفتار و اعمال خود مراقب باشیم آتش اختلاف را

آیت الله امینی:

کشاندن اختلافات به حوزه، خیانت به حوزه و نظام است



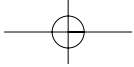
آن ها پاسخگویی فرد را در قیامت به دنبال خواهد داشت. در پایان مراسم نماز طی اطلاعیه ای از مردم خواسته شد برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از برپایی تجمع و راهپیمایی غیرقانونی خودداری کنند زیرا در صورت لزوم برپایی راهپیمایی از طریق مراجع ذی صلاح این امر به اطلاع مردم خواهد رسید.

نماز جمعه: تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۸۸

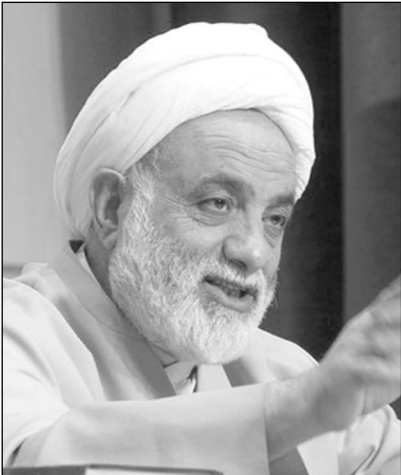
نماز جماعت زیاد است افزود: هنگامی که به مکه می روم خجالت می کشم که مسلمانان به سمت مساجد و برای اقامه نماز جماعت می روند اما برخی شیعیان از مسجد خارج می شوند و پشت در مغازه ها می ایستند تا بتوانند جنس خریداری کنند. وی گفت: این امر یا از ضعف ایمان است یا عدم تبلیغ صحیح و یا جایگزین شدن ارزش های دیگر که باید علت اصلی بررسی شود تا بتوان مردم را به نماز جماعت علاقه مند کرد. آیت الله امینی همچنین با اشاره به حلول ماه مبارک رمضان تاکید کرد: کسانی که توانمند هستند وظیفه دارند به مستمندان و کسانی که توانایی تهیه ارزاق خود را ندارند کمک کنند. وی همچنین با اشاره به این که "حفظ زبان از ضروریات اسلام است" افزود: بسیاری از شایعه پراکنی ها ایجاد اختلافات و بردن آبروی دیگران از حفظ نکردن زبان است. خطیب موقت جمعه قم ادامه داد: حفظ چشم زبان صله رحم و احترام به بزرگترها توجه به کوچکترها توبه کمک به مستمندان و غیبت نکردن از جمله مواردی است که باید در این ماه باید رعایت شود و عدم توجه به

جریمه کردن ها را که نظام را با این چیزها نمی شود نگه داشت: نظام را باید با رفت عدالت و انس نگهداری کرد. وی با بیان این که "من به چه زبانی بگویم تفرقه را کنار بگذارید که موثر باشد" گفت: ما دشمن نیستیم و وحدت ما شدنی است و با گفت و گو و صحبت این مشکل را برطرف کنید و سوژه دست دشمن ندهید. آیت الله امینی ادامه داد: بعضی با دیدن اطلاعیه و بیانیه در اینترنت با عنوان دلسوزی در خانه ی این و آن راه می افتند نکنید این کار را و به اختلافات دامن نزنید. وی هم چنین با بیان این که "اختلافات را به حوزه نکشید که خیانت به حوزه و نظام است" تصریح کرد: اگر شما به عنوان دلسوزی می خواهید کاری انجام دهید سعی کنید اختلافات برطرف شود نه اینکه گسترش یابد. امینی در ادامه سخنانش با اشاره به آمارها درباره میزان برپایی نماز جماعت در مساجد کشور گفت: عیب و مشکل ما چیست که به نماز جماعت بی تفاوت هستیم و آیا زینده جمهوری اسلامی است که مردم ما به نماز بی توجه باشند این استاد حوزه با بیان اینکه در کشورهای اسلامی استقبال مردم از

آیت الله امینی در نماز جمعه این هفته قم طی سخنانی گفت: در ماه مبارک رمضان سر سفره خدا بنشینید و به یکدیگر نزدیک شوید و اختلافات را کنار بگذارید. به گزارش ایسنا آیت الله امینی همچنین با اشاره برخی اتفاقات اخیر با بیان این که "چقدر دشمنان باید از این اختلاف سود ببرند" اظهار کرد: شما دشمن یکدیگر نیستند. شما نظام اسلام و ولایت فقیه را می خواهید چرا به جای دشمنی با یکدیگر به گفت و گو و صحبت نمی پردازید و راه حلی برای مشکل تفرقه پیدا نمی کنید. وی با بیان این که "به این جناح و آن جناح کاری ندارم بلکه خطابم همه هستند" گفت: شما نخبگان بنشینید و با هم صحبت کنید اگر واقعا ظلمی به کسی شده و اگر آسیبی به کسی رسیده آن را برطرف کنید و اگر بی گناهی زندانی شده وی را آزاد کنید و اگر آبرویی برده شد عذرخواهی کنید و با کسانی که مجرم واقعی هستند هم همان گونه که شایسته است برخورد کنید. خطیب موقت جمعه قم با اشاره به این که "با این وضعیت دشمنان شاد می شوند" اظهار کرد: بس کنید این لجبازی خیره سری و



دین نباید فدای سیاست شود



قرار گیرد و از اثرات بسیار مثبت و سازنده آن بهره مند شد.

هرچه شنیده می شود باید در رابطه با آن تحقیق شود افزود : متأسفانه در تحلیل های سیاسی بدگمانی جسارت تهمت و عجله وارد شده است که این امر از دین مامی کاهد.

وی با بیان اینکه عمل به دستورات دین جامعه را به سوی رستگاری و پیشرفت هدایت می کند افزود : باید تلاش کرد تا سیاستهای ما دینی تر شود.

حجت الاسلام قرائتی با بیان اینکه نباید دین و ایمان فدای سیاست شود افزود: آمریکا و اسرائیل ادعای می کنند که آینده جهان در دست ماست ولی قرآن می فرماید آینده جهان از آن اسلام است . رئیس شورای مرکزی زکات با بیان اینکه اگر اسلام بطور صحیح به جامعه معرفی شود همه به آن می گروند ادامه داد : قرآن برای تدبیر است و باید بیشتر مورد توجه

مسائل سیاسی در موعظه ها سخنرانی ها و تبلیغات به خصوص در ایام ماه مبارک رمضان خودداری کنند ادامه داد : نامزدهای ریاست جمهوری که در مناظره های تلویزیونی شرکت کردند باید برنامه های آینده خود را ارائه و از این برنامه ها دفاع می کردند.

حجت الاسلام قرائتی یادآور شد : در این مناظره ها حرفهای بی سند و بی دلیل گفته شد حرفهایی که باید از سوی یک قاضی مطرح می شد توسط نامزدها بیان شد.

رئیس شورای مرکزی زکات و ستاد اقامه نماز با بیان اینکه مناظره ها ما و کشور را به جایی رساند که الان در آن هستیم تاکید کرد: شما نباید به این فتنه ها دامن بزنید زیرا این مسائل جز سو ظن و تاریکی نیست.

حجت الاسلام قرائتی با تاکید بر اینکه

رئیس شورای مرکزی زکات و ستاد اقامه نماز با بیان اینکه نباید دین و ایمان فدای سیاست شود افزود : متأسفانه در تحلیل های سیاسی بدگمانی جسارت تهمت و عجله وارد شده است که این امر از دین مامی کاهد.

به گزارش خبرنگار مهر حجت الاسلام محسن قرائتی ظهر چهارشنبه در همایش مبلغین استان زنجان افزود : با بروز حوادث پس از انتخابات و برگزاری مناظرات که تنها در آنها تخریب به جای ارائه برنامه بود در زمان کنونی پرداختن به مسائل سیاسی به نوعی دین فروشی تبدیل شده است و برگزاری مناظره نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از عزت ایران در تاریخ کاست و بسیاری از فرایند ها را زیر سؤال برد.

وی با تاکید بر اینکه مبلغین از ورود به

آیت الله امینی در خطبه های نماز جمعه قم:

به جوانان انگ ضدانقلابی نزنیم

دستگیرشدگان و مجرمان با رافت اسلامی برخورد شود تا به دامان انقلاب برگردند. وی جوانان را مدافعان انقلاب دانست و گفت : باید جوان را در کنار خود حفظ کرده و حفظ کردن تنها با سخنرانی کردن نیست بلکه جوان را با عمل خود می توانیم برای انقلاب و نظام حفظ کنیم و اگر می خواهیم جوانان از انقلاب دفاع کنند باید اسلام واقعی را به آنها نشان دهیم. وی با اشاره به اهمیت کار فرهنگی برای جوانان گفت : برخورد فیزیکی با این موضوع امکان ندارد و مفید نیست و باید جوانان را مصونیت اخلاقی بخشیم و نهادهایی که در این زمینه فعالیت می کنند نباید کوتاهی کنند نمازجمعه: تاریخ ۹ مرداد۱۳۸۸

که قدر انقلاب را بدانند زیرا این انقلاب و نظام به راحتی به دست نیامده و برای آن صدها هزار نفر جان خود را از دست داده اند. وی به جوانان خاطرنشان کرد که ولایت فقیه مرکز اساسی در زمان امام خمینی (ره) بوده است و امروزه نیز این موضوع به عنوان رکن اساسی نظام مطرح است و همگان وظیفه داریم از آن مراقبت کنیم. آیت الله امینی در ادامه ضمن تشکر از دستور رئیس قوه قضائیه مبنی بر روشن شدن وضع بازداشت شدگان وقایع اخیر گفت : کاش این دستور زودتر صادر می شد و لازم است به آن توجه شود و زودتر وضع زندانیان مشخص شود و خانواده آنها از نگرانی خلاصی یابند و ای کاش آقای شاهرودی در ادامه می فرمودند که با

اهمیت داده شود و به خواسته های آنان توجه شود زیرا جوانان دارای روحیه لطیفی هستند. وی روحیه تغییرطلبی را از خصوصیات جوانان عنوان کرد و گفت : باید سخنان جوانان شنیده شود و اگر صحیح بود پذیرفته شود و اگر صحیح نبود و جوان به خطا رفته بود باید با لحن ملایم و در کمال احترام به آنها آگاهی داده و به مسیر صحیح هدایت کنیم. وی به رفتار پیامبر در صدر اسلام اشاره کرد و گفت : رفتار پیامبر(ص) و حضرت علی (ع) با جوانان تنها با شمشیر نبود بلکه با رافت اسلامی با جوانان برخورد کرده و به آنها اسلام را در عمل معرفی می کردند. آیت الله امینی در ادامه به جوانان توصیه کرد

آیت الله امینی در خطبه های نماز جمعه قم با بیان اینکه جوانان بی عدالتی را تحمل نمی کنند گفت ما نباید به جوانان انگ ضد انقلاب بچسبانیم. به گزارش خبرنگاری مهر در قم آیت الله ابراهیم امینی در خطبه های نماز جمعه قم که در شبستان حرم حضرت معصومه (ص) برگزار شد با بیان اینکه جوانان بی عدالتی را تحمل نمی کنند گفت : جوان روح حساسی دارد و نمی تواند ظلم را ببیند و هیچ کلامی نگوید بلکه فریاد زده و اعتراض خود را بیان می کند و نباید ما به این جوان انگ ضد انقلاب بچسبانیم و در تلاش بوده تا این جوان را از انقلاب دور سازیم. آیت الله امینی در بخش دیگری از سخنان خود با گرامیداشت روز جوان بیان داشت: باید به جوانان

رییس بنیاد بین المللی نهج البلاغه خواستار شد:

بازشناسی ظرفیت پیام رسانی نهج البلاغه در عرصه تبلیغ

امروز دنیا به یک دهکده جهانی تبدیل شده و گستردگی اطلاعات، فضای جهانی را دگرگون کرده است و در این برهه از زمان، تبلیغات دینی باید به سوی استفاده و بهره مندی از ابزار و تجهیزات نوین سوق داده شود. حجت الاسلام والمسلمین دین پرور اضافه کرد: روش های تبلیغی را باید به سوی انتقال آسان تر پیام ها، جهت دهی کنیم.

وی تصریح کرد: طلاب و مبلغین حوزه باید علوم روز دنیا را فرا گرفته و دین خدا را با بیان شیوا به مردم ابلاغ کنند و این مسئولیت عظیم الهی را انجام دهند.

رییس بنیاد بین المللی نهج البلاغه عنوان کرد: اگر اطلاعات کافی در مسائل دینی و مذهبی و حتی سیاسی و اجتماعی کشور نداشته باشیم، نمی توانیم پاسخ گوی نیازهای مردم باشیم.

حجت الاسلام والمسلمین دین پرور گفت: باید در فرایند تبلیغ، مسائل و ضوابطی چون، آموزش مبلغین و تجهیز آنها به ابزارهای نوین تبلیغی رعایت شود.

این محقق حوزوی، در همایش علمی و کاربردی تبلیغ در مرکز همایش های دفتر تبلیغات اسلامی به بازشناسی ظرفیت پیام رسانی نهج البلاغه در عرصه تبلیغ اشاره کرد و اظهار داشت: براساس آموزه های مکتب اسلام و بیانات حضرت علی (ع)، تبلیغ دین از وظایف انبیاء بوده و کاری بسیار خطیر و سنگین است.

وی افزود : با بررسی محتوای نهج البلاغه می توان به نتایج ارزشمند و کاربردی در زمینه تبلیغ دست یافت که از آن جمله سبک و شیوه بیان، اخلاص، زمان شناسی، مخاطب شناسی و مصلحت اندیشی است. سخنران این همایش ادامه داد :

معاون آموزش حوزه های علمیه خبر داد:

نظام آموزشی جدید حوزه در دست طراحی است

کارگروه های تشکیل شده در اداره کل برنامه ریزی و نظارت عنوان کرد.

حجت الاسلام والمسلمین عباسی با اشاره به مزایای آموزش غیرحضوری خاطرنشان کرد: در آموزش غیرحضوری هزار و ۵۰۰ نفر شرکت کرده اند که این بخش مورد عنایت مقام معظم رهبری قرار گرفته است.

معاون آموزش حوزه خاطرنشان کرد: بیش از ۱۲ کمیته تخصصی برای پایان نامه ها تشکیل شده که اگر هیأت های علمی شکل بگیرد و در رشته های تخصصی توانمندی و کارایی خود را بیشتر کند، بسیاری از کارهایی که توسط معاونت آموزش در ستاد انجام می شود، قابل واگذاری به آنان است.

وی به ضرورت کارگروه بررسی و اصلاح نظام آموزشی موجود اشاره کرد و گفت: ما تا زمان تصویب نظام آموزشی جدید، با نظام آموزشی موجود سروکار داریم و باید آن را بهینه سازی و روانتر کنیم تا نظام جدید جایگزین آن شود.

آموزشی حوزه اتفاق بیفتد، باید مزایای نظام آموزشی گذشته از بین نرود و با حفظ آن مزیت ها، ضعف ها را جبران کنیم.

وی خاطرنشان کرد: تصمیمات کلان، علاوه بر کارگروه ها باید در مجامع کارشناسی مطرح و در نشست های عمومی مختلف بررسی شود.

حجت الاسلام والمسلمین عباسی از تشکیل ۱۰ کارگروه تخصصی برای طراحی نظام جدید آموزشی خبر داد و گفت: کارگروه پذیرش با بررسی و تدوین آیین نامه های جدید در صدد است که نخبیگان و استعدادهای برتر جذب حوزه شوند و کار این کارگروه به پایان رسیده است.

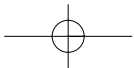
وی کارگروه های امور اساتید، سنجش و ارزشیابی، آموزش غیرحضوری، مدارج علمی و پایان نامه ها، طراحی نظام آموزشی جدید و نیز کارگروه بررسی و اصلاح نظام آموزشی موجود را از دیگر

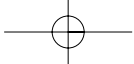
حوزه علمیه به لحاظ نظام آموزشی، علمی و پژوهشی دارای هویت مستقل است و از نظام آموزشی و علمی غربی تقلید نمی کند

معاون آموزش حوزه های علمیه در اجلاسیه معاونان آموزش مدارس علمیه سراسر کشور، به فعالیت های اداره کل برنامه ریزی و نظارت معاونت آموزش حوزه اشاره کرد و گفت: برنامه های آموزشی در همه ابعاد از جمله طراحی و برنامه ریزی های جدید و آسیب شناسی مقررات و قوانین با نگاه کارشناسی و همچنین نظارت بر عملکرد آموزش در صف و ستاد در این اداره کل پیگیری می شود.

وی به تشکیل چندین کارگروه برای بررسی و طراحی نظام جدید آموزشی حوزه اشاره کرد و بیان داشت: همه صاحب نظران اجماع دارند که حوزه نیاز به تحولات مختلف از جمله آموزش دارد.

حجت الاسلام والمسلمین عباسی ادامه داد: اگر بناست تغییری در عرصه





هیچ کس نباید جرات کند خلاف قانون حکم دهد

رییس قوه‌ی قضائیه استقلال قاضی را حافظ سلامت و امنیت قضایی دانست و اظهار کرد: باید به تمام معنی این استحکام این استقلال بگوئیم. البته این معنی لوازمی دارد، از جمله بها دادن به شخصیت قاضی و تلاش برای تربیت قضاتی که در مقام داوری چیزی جز حق و عدالت را معیار قرار ندهند. طبیعی است که چنین مقصودی فقط با نخبه‌گزینی میسر است. در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ما کم نیستند کسانی که چنین استعدادهایی در وجودشان یافت می‌شود. مهم آن است که آنها را بیابیم و در شکوفایی استعدادهای نهفته‌ی آنها تلاش کنیم.

آیت الله صادق لاریجانی در ادامه‌ی سخنرانی در مراسم معارفه‌اش به عنوان رییس جدید دستگاه قضایی، اظهار کرد: از جمله‌ی مهمترین امور، تعامل قوه‌ی قضائیه با سایر قواست. استقلال قوا از یکدیگر که از آموزه‌های مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است نباید به معنای جدایی کلی و نگاه جزیره‌ای به هر یک باشد. قوای جمهوری اسلامی جزایر از هم بیگانه نیستند و ناگزیر باید با یکدیگر تعامل معقول و منطقی و در چارچوب قوانین داشته باشند. بسیاری از اهداف مقدس جمهوری اسلامی و حتی برخی از وظایف دستگاه قضایی، بدون این تعامل فراقوه‌ای میسر نیست.

وی تصریح کرد: در بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی آمده است: اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. تلاش برای پیشگیری از جرم باید از جمله راهبردهای اساسی قوه‌ی قضائیه باشد. سلامت جامعه و بهبود وضع قضایی کشور در گرو اموری است که از مهمترین آنها پیشگیری از وقوع جرم است. در غیر این صورت ورود فزاینده‌ی پرونده‌های قضایی دستگاه قضایی کشور را فلج می‌کند و سلامت جامعه را نیز به خطر می‌اندازد.

لاریجانی ادامه داد: اما و صدا ما آیا این پیشگیری از جرم بدون تعامل همه‌جانبه‌ی قوای کشور ممکن است؟ واکاوی این مسئله بر هر اهل فنی روشن می‌سازد که این مهم بدون تعامل منطقی و همه‌جانبه‌ی قوای مختلف کشور ممکن نیست. قوه‌ی قضائیه به تنهایی نمی‌تواند متصدی این امر باشد و شاید بتوان گفت مجموعه‌ی اصول قانون اساسی هم، این اجازه را به وی نمی‌دهد. از آنجا که مستلزم دخالت‌های متعدد در حیطه‌ی دیگر قوا است.

رییس جدید قوه‌ی قضائیه، خاطرنشان کرد: این فقط یک نمونه از لزوم تعامل قوا است و از این دست مسائل که ضرورت تعامل قوا را می‌طلبد، بسیارند. وانگهی روابط صحیح و دوستانه‌ی قوا در چارچوب قوانین و احترام از فضاسازی‌های بی‌مورد و دشمن‌تراشی‌های خیالی، به آرامش جامعه و ثبات نظام کمک می‌کند و این باید از جمله اهداف همه‌ی قوا باشد.

وی اظهار کرد: رهبر فرزانه‌ی انقلاب در مواضع مختلف رهنمودهایی در باب سلامت و ارتقای دستگاه قضایی داشته‌اند که بسیار حساب شده و دقیق‌اند. امیدواریم بتوانیم در طول دوره‌ی عادی این رهنمودها را عملی‌سازیم. از جمله‌ی این رهنمودها که به صورت اولویت‌های دستگاه قضایی مورد تاکید ایشان بوده است رفع مشکل اطلاع‌ی دادرسی به ویژه نسبت به پرونده‌های ملی و پرونده‌های مهم اقتصادی است و همچنین علاج نقض‌های مکرر احکام در دادگاه‌های تجدیدنظر نظر و دیوان عالی و تاکید بر اتقان احکام صادره در دادرسی‌ها است.

کند و حقوق شهروندان را ضایع نماید و آرامش و امنیت آنان را سلب کند. چنین کسانی باید بدانند که دیر یا زود به محکمه‌ی عدل فراخوانده می‌شوند و حق مظلومانان از آنان ستانده می‌شود. بنده در همین جا اعلام می‌دارم که در این راستا نسبت به احادی گذشت نخواهم کرد و خاطیان را به دستگاه عدالت خواهم سپرد.

رییس قوه‌ی قضائیه، ارتقاء دستگاه قضایی کشور در جهات مختلف را یک ضرورت دانست و افزود: ارتقاء از حیث اتقان احکام، ارتقاء از حیث کارآمدی نیروهای انسانی، ارتقاء از حیث تسریع در احقاق حق و احتراز از اطاله‌ی دادرسی و نظایر آن. وی یادآور شد: روشن است نیل به این هدف بدون دارا بودن برنامه‌ی جامع و دقیق میسر نیست. باید بدانیم انتظاراتمان دقیقاً چیست؟ در چه مدت زمانی و به چه اهدافی نظر داریم. داشتن برنامه‌ی جامع و دقیق هم در تسریع نیل به هدف موثر است و هم در ارزیابی کار گذشته. از جمله گام‌های اساسی در دوران حضرت آیت الله شاهرودی، همین گرایش به تدوین برنامه است که در برنامه‌ی سوم قوه‌ی قضائیه تجلی روشنی یافته است.

پرداخت. از جمله‌ی این خلاها نیروی انسانی آزموده و سالم است.

رییس قوه‌ی قضائیه، ادامه داد: گرچه قضات فاضل، آگاه، صالح و نیز کارکنان شریف در دستگاه قضایی کشور بسیارند و در حد خود گوهری ارزشمند ولی نباید فراموش کرد که حجم عظیم پرونده‌ها، قضات را فرسوده می‌کند. باید چاره‌ای برای تربیت قاضی و استفاده‌ی بهینه از قضات مشغول به کار اندیشید. در این زمینه طراحی‌هایی فراهم آورده‌ایم که امید است ولو در درازمدت به نتایج خوبی منجر شود.

وی با اشاره به اینکه بعد نظارتی در دستگاه قضایی کشور امر بسیار مهمی است که همه بدان اذعان دارند، گفت: این نظارت هم به نظارت درونی دستگاه مربوط می‌شود و هم نظارت بیرونی نسبت به قوه‌ی مجریه و سایر قوا. اگر تخلف یا فساد از قاضی یا مسوولی دیده شود، چهره‌ی کل دستگاه ذی‌ربط مخدوش می‌شود. همه مسوولیم در بهبود این وضع تلاش کنیم.

لاریجانی تاکید کرد: هیچکس نباید جرات کند و به خود حق دهد که برخلاف قانون حکم

زندگینامه آیت الله صادق لاریجانی

آیت الله صادق اردشیر لاریجانی به عنوان یکی از گزینه‌های مطرح پنجمین رییس دستگاه قضایی کشور از سال ۱۳۸۰ عضو فقهای شورای نگهبان بوده است.

آیت الله لاریجانی متولد سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در نجف اشرف است.

پدر وی، آیت الله میرزا هاشم آملی است که از مجتهدین مشهور زمان خود بود. آیت الله میرزا هاشم آملی در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی به دلیل وضعیتی که در آن رژیم برای روحانیون به وجود آمد به نجف اشرف مهاجرت کرد و تا حدود ۳۰ سال بعد در عراق ماند.

آیت الله صادق لاریجانی همچون دیگر برادران و خواهرش علاوه بر اینکه از کودکی با مسایل دینی آشنا شد، علوم جدید را نیز فراگرفت. وی دوران دبستان را در سال ۱۳۳۵ آغاز کرد و دوره دبیرستان را در سال ۱۳۵۶ به پایان رساند و در همین سال وارد حوزه علمیه شد.

وی از سال اول دبیرستان، بسیار فراتر از دروس این دوره پیش رفت و کتاب‌های متعدد دانشگاهی در رشته ریاضی را فرا گرفت. او دوره سطح و عالی را نیز در حوزه در سال ۱۳۶۸ به پایان رساند و از همین سال، تدریس در حوزه و دانشگاه را آغاز کرد.

او از سال ۱۳۶۸ پس از تدریس سطح، به تدریس خارج اصول و خارج فقه پرداخت و سپس به عضویت هیات علمی دانشگاه قم در آمد و هم اکنون به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کند.

وی از سال ۱۳۶۲ کتاب‌های بسیاری را تالیف، تصحیح یا ترجمه کرده که برخی از آنها به شرح زیر است:

- فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک- ترجمه و تعلیقات مبسوط ۱۳۶۲
- انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه طباطبائی- ترجمه و تعلیقات ۱۳۷۱
- سرمایه ایمان، نوشته ملا عبدالرزاق لاهیجی- تصحیح ۱۳۷۲
- معرفت دینی، نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت- در پاسخ به نظریات عبدالکریم سروش ۱۳۷۰
- قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر- اضافات و توضیحاتی بر کتاب قبل ۱۳۷۲
- واجب مشروط- فقهی، سیاسی ۱۳۷۴
- فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت
- آموزگار جاوید- مجموعه مقالات در بزرگداشت مرحوم آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی
- مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه
- دین و اخلاق- ترجمه
- فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری
- فلسطفه تحلیلی، فعل گفتاری
- زبان دین
- براهین اثبات واجب، برهان وجودی
- قلمرو دین
- مبانی کلامی- فلسفی حکومت دینی
- فلسفه اخلاق
- مجموعه مقالات در سه جلد

وی در کارنامه خود علاوه بر فعالیت‌های علمی و فقهی، یک دوره نمایندگی مردم مازندران در مجلس خبرگان را دارد و در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۸۰ نیز با حکم مقام معظم رهبری به عنوان یکی از فقهای شورای نگهبان منصوب شده است.

مراسم تودیع و معارفه رییس قوه قضائیه با حضور رییس جمهور، رییس مجلس، روسای قدیم و جدید قوه قضائیه، رییس و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر و اعضای شورای نگهبان، اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و برخی دیگر از مسوولان نظام برگزار شد.

آیت الله صادق لاریجانی رییس جدید دستگاه قضایی در مراسم معارفه‌اش که در محل حوزه‌ی ریاست با حضور مقامات لشکری و کشوری برگزار شد با تشکر از حضور روسای قوه‌ی قضائیه، رییس مجلس خبرگان رهبری، دبیر شورای نگهبان، رییس دفتر مقام معظم رهبری و سایر مسوولان کشور، اظهار کرد: از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای کمال تشکر را دارم. اعتماد ایشان به اینجانب در چنین مسوولیت خطیری، عین عنایت و لطف ایشان است و خداوند سایه‌ی پربرکت ایشان را مستدام دارد.

لاریجانی تصریح کرد: حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی در طول ریاست ۱۰ ساله‌ی خویش بر دستگاه قضایی تلاش‌های فراوانی بر بهبود وضعیت قضای کشور کرده‌اند و گام‌های موثری در این جهت برداشته‌اند. ایشان که از ذخایر حوزه‌های علمیه و از

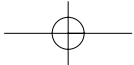
علمای روشن بین جهان اسلام هستند با تیزبینی قابل ستایش به تأسیس اموری در دستگاه قضایی کشور پرداخته‌اند که انجام آنها چندان سهل نبوده است. خصوصاً احیای دادرها که در فرایند دادرسی و احقاق حقوق نقش بسزایی دارد. اینجانب مراتب تشکر خود را نسبت به تلاش‌های مجدانه‌ی ایشان و همکاران گرامی‌شان در طول این ۱۰ سال ابراز می‌دارم و امیدوارم از انتقال تجارب گرانمای خویش دریغ نفرمایند.

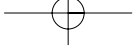
رییس جدید دستگاه قضایی، با بیان اینکه اهمیت جایگاه قوه‌ی قضائیه و نقش آن در اصلاح جامعه و سلامت دستگاه‌های اجرایی کشور نیاز به بیان و تاکید ندارد، ادامه داد: اگر بگوئیم قوه‌ی قضائیه چهره‌ی نظام و وجه آن است گزافه نگفته‌ایم. حکم عادلانه و اجرای عدالت توقع اصلی از این نهاد است اما شهادت حکم عادلانه و اجرای عدالت در همه حال، فقط در عالم سخن آسان است: مرد می‌خواهد و صبر.

وی با بیان اینکه حقیقت عدالت امری پیچیده و دیرپاب است، تصریح کرد: تبیین فلسفی عدالت بزرگانی را به عجز آورده است. با همه‌ی این احوال نمی‌توان انکار کرد که مصادیقی از مفهوم عدالت واضح است: همه می‌دانند که لااقل تساوی در مقابل قانون عدالت است و قانون‌گریزی خلاف عدالت. قانونمندی باید شعار اصلی همه باشد و مدار عمل برای همه. عمل به قانونی که دارای نقص است بهتر از فقدان قانون و عمل خودسرانه است.

رییس دستگاه قضا، تصریح کرد: از بدو تأسیس قوه‌ی قضائیه به ریاست شهید آیت الله دکتر بهشتی تا دوران حاضر، تلاش‌های گسترده‌ای در بهبود و تکامل دستگاه قضایی کشور صورت گرفته است. ولی تردیدی نیست که این دستگاه عظیم هنوز نیازمند فعالیت‌های فکری و عملی بسیاری است.

لاریجانی خاطرنشان کرد: اینجانب که مدت مدیدی است در این راستا ریزنی و مطالعه و اندیشه و تعمق داشته‌ام و مطالب گرانمایی تحصیل کرده‌ام، گمان می‌کنم خلاهای فراوانی وجود دارد که بایستی با حفظ اولویت بدان‌ها





اسراف را به نام امام زمان انجام ندهیم

مجید زندی

بسیاری از مردم همانند سمی است که میان مردم توزیع می شود که می تواند سلامتی مردم را تهدید کند.

پس برای بزرگداشت میلاد حضرت مهدی (عج) و مهدویت باید این فرهنگ در جامعه عمومیت یابد که زنده نگه داشتن یاد امام زمان (عج) تنها با توزیع شیرینی و شربت نیست در عین حالیکه می دانیم فاصله طبقاتی و فاصله فقیر و غنی در جامعه بی داد می کند آنگاه توزیع شیرینی و شربت در مناطق مرفه نشین یا متوسط نشین شهری همانند تهران یا شهرهای بزرگ ایران به اوج خود می رسد. چرا چنین کارهایی در روستاها مرسوم نیست چون آنها به نیازهای واقعی همسایه های خود بیشتر واقف هستند و اگر هم مراسمی باشد به زیباترین شکل سنتی خود با مولودی خوانی در مساجد و حسینیه ها انجام می شود. برای زنده نگهداشتن حیات معنوی امام زمان (عج) در دل شیعیان باید یاد بگیریم کارهایی را انجام دهیم که به سود خدا پیغمبر اسلام (ص) و ائمه اطهار(ع) باشد نه اینکه با کارهای اشتباه خود جامعه را بیشتر به سمت بیماریهای جسمی و روحی سوق دهیم و به دنبال آن با افزایش بیماری علاوه بر سرمایه دار کردن عده ای و فقیر کردن عده ای دیگر هجومی دیگر بر ضد احیا عدالت اجتماعی طراحي می کنیم. وقتی موضوعات فوق را با مردم در میان می گذاریم آنگاه می فهمیم که مردم هم دل پری از شرایط موجود دارند اگر چه مرجعی برای اظهارنظر نمی بینند و سکوت می کنند.

آقای حسین گج ساز مدرس یک موسسه فرهنگی -هنری در شهر تهران با پذیرش وجود چنین نارسایی های حتی در عرصه بسیار مذهبی - فرهنگی و اجتماعی جامعه ما می گوید : متأسفانه یکی از اشکالات اساسی ما مسلمانان شنناختن اسلام ناب است و در چنین شرایطی هم می توانیم بگوئیم امام زمان (عج) هم در میان ما شیعیان مظلوم هستند.

وی می افزاید : به عنوان مثال می توان به جای خرید این حجم گسترده لامپ نئون و مصرف شدید برق آن هم در دل تابستان این هزینه ها را در قالب بسته های هدیه امام زمان (عج) به خانواده های مستضعف که شمار آنها در جامعه ما فراوان هم هست بخشید یا تجهیزیه دختران دم بخت را فراهم کرد و به درمان بیماران نیازمند کمک کرد به این وسیله هم اسراف نمی کنیم و هم به هموعان خود به نام امام زمان (عج) کمک و یاری می رسانیم.

وی ادامه می دهد: حتی مردم در محلات هم می توانند با همکاری شوراهای محلی و تهیه پول یک زندانی محلی را آزاد کنند و او را در شب میلاد امام زمان به خانواده اش بازگردانند زندانیان فراوانی که این سالها به دلیل مشکلات اقتصادی وعدم تعادل در بازار ورشکست شده و بدهی به بار آورده اند.

وی ادامه می دهد : متأسفانه برخی از شهرداریهای مناطق هم همانند افراد دچار چشم هم چشمی می شوند و سعی می کنند در این زمینه رقابت کنند در حالیکه هزینه خود را از پول مردم درمی آورند آن را با توجیه زیباسازی شهر همراه می سازند.

وی می افزاید : شهرداریها باید بر نحوه طاق نصرت بستن ها نظارت دقیقتری داشته باشند و به گونه ای نباشد که به نام توزیع شربت و شیرینی تلخی ترافیک را به مردم آن هم به نام امام زمان تحویل دهند. البته در مورد شهرداری تهران امسال نکته قابل تقدیر نصب ریسه های پارچه ای و کاغذی به جای ریسه های لامپی و برقی است که در نوع خود نوآوری برای کاهش مصرف برق و هزینه ها محسوب می گردد.

خانم شهدی رجب یکی دیگر از شهروندانی است که به نکته ای عجیبی در این زمینه اشاره می کند

و با نقل خاطره ای می افزاید : سال گذشته در آستانه میلاد حضرت حجت (عج) در صف نانوایی ایستاده بودم که دو پسر ۱۴ - ۱۵ ساله با کاغذی چاپ شده جلوی رهگذران را می گرفتند و می گفتند برای آذین بندی و مراسم جشن و خرید شربت و شیرینی تولد امام زمان پول بدهید که برخی افراد بی توجه به خواسته آنها عبور می کردند و برخی هم به رفتار آنها شک کرده بودند. اما من که در صف رفتار آن ها را زیرنظر داشتم شرمنده شدم و این سؤال برای من پیش آمد که چرا به نام امام زمان به هر دلیلی باید با آبروی آن عزیز بازی می کنیم.

وی ادامه می دهد: امام زمان (عج) هیچگاه مایل نیست برای خرید شربت و شیرینی کاسه گدایی بلند شود بلکه برعکس آن بزرگوار و بقیه ائمه دستگیری نیازمندان را همانند جد خود علی (ع) سزاوارتر می دانستند و می دانند. در حالیکه این کودکان و نوجوانان شیوه زندگی ظاهری و عوامفریبانه خود را از ما بزرگترها یاد می گیرند.

وی ادامه می دهد : این نوجوانان کار خود را از آن آقای یاد می گیرند که در کوچه مقابل با درآمدهای هنگفت خود در بازار چنین کاری را هم انجام می دهد ولی اینها می خواهند با چشم همچشمی رفتار او را تکرار کنند که به بی راهه می روند.

دکتر محمدحسین فهیم نیا مدرس حوزه و دانشگاه هم در این زمینه می گوید : برگزاری مراسم جشن و اعیاد شعبانیه مراسمی ضروری است که باید در کنار برنامه های عزاداری که در طول سال داریم شاهد جشن و شادی هم باشیم همچنانکه هر دو آنها در اسلام پسندیده است. به خصوص اینکه شادی در مورد وجود مقدس حضرت مهدی (عج) باشد که تا مقداری لازم هم هست ولی آنچه که اکنون در جامعه شاهد آن هستیم از حد اعتدال خارج شده است.

وی می افزاید : در بخش مربوط به خوردن و آشامیدن هم شاهد اسراف های فراوانی هستیم که بسیاری از شیرینی ها و شربت ها هم که در مساجد حسینیه ها و معابر توزیع می شود برای سلامتی افراد به ویژه سالمندان مضر است در حالیکه می توانیم مقداری از برنامه های جشن ۱۵ شعبان را در حدی که برای نوجوانان و جوانان اثرات فرهنگی داشته باشد حفظ کنیم و بقیه آن را برای ارتقا فرهنگ شناخت واقعی امام زمان (عج) جهت دار سازیم و هیچگاه دچار افراط و تفریط و اسراف نشویم.

وی ادامه می دهد : در راستای گسترش مجالس ارزشمند علمی یا سایر فعالیت های فرهنگی هزینه ها می تواند جایگزین اسراف ها باشد زیرا اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) باصرف شربت و شیرینی ممکن نیست زیرا در دورانی که از طریق سایت ها و ماهواره ها شبهه های گوناگون اعتقادی مطرح می شود نمی توان پاسخ سئوالات بی پایان جوانان را با یک شربت رفع کرد.

حجت الاسلام فهیم نیا ادامه می دهد: البته ابعاد فراوانی برای آفت شناسی جشن نیمه شعبان می توان مطرح کرد ولی آنچه که امروز در قالب توزیع گسترده شیرینی و شربت در جامعه ما مشهود است اینکه سرمایه های فراوانی فقط برای شکم صرف می شود ولی کارهای زیربنایی و مبنایی و محتوایی مورد غفلت قرار می گیرد.

وی می گوید: اسراف و تبذیر از لحاظ شرعی و اقتصادی هم درست نیست زیرا کشور دچار مشکل است ولی می بینیم که در یکی و دو روز حجم گسترده برق مصرف می شود و یا در چند شب و روز در خیابانها شربت و شیرینی توزیع می گردد و خیابانها و معابر مملو از زباله و لیوان های یکبار مصرف خواهد شد که از لحاظ بهداشتی هم شرایط نامناسبی را پدیدار می سازد.

وی یکی دیگر از اسراف ها را در این زمینه تبلیغات غیرضروری صدا و سیما برای مسجد جمکران می داند و می افزاید : واقعا چه ضرورتی دارد که علاقمندان به حضرت مهدی (عج) راحتما به جمکران ببریم و طی چند شبانه روز حجم سفرهای پرخطر و ازدحام مسافر را درجاده های منتهی به قم و جمکران می بینیم در حالیکه می توان درمساجد و حسینیه های شهرها و روستاها برنامه های مختلفی را با همان هزینه برای ارتقا فرهنگ شناخت واقعی حضرت صاحب الزمان (عج) پدید آورد که شادی بخش دل آن بزرگوار هم خواهد بود.

وی می گوید : چند میلیون مسافر را در سه - چهار شب به جمکران یکشانیم صلاح نیست در حالیکه اثر گذاری فرهنگی در گستردگی چنین جلساتی در سطح کل کشور است.

دکتر محمدحسین فهیم نیا ادامه می دهد : بخشی از این هزینه ها که در شهرها انجام می شود همچنین می تواند در قالب یک برنامه جشن ساده تر در روستاها برپا گردد که هزینه های آن را می تواند آن فرد شهری پولدار پرداخت نماید.

وی حضور گسترده مراکز تبلیغی و صدا و سیما و رسانه ها در شهرها را وسیله ای برای افزایش مجالس پر هزینه به نام امام زمان (عج) معرفی می کند می افزاید: دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و سایر وزارتخانه ها و سازمانها اگر می خواهند برنامه ای برای این کار داشته باشند آن را فقط به مناطق محروم ببرند که برنامه ریزی برای این کار چندان سخت نیست اگر آنها بخواهند مقداری از دفاتر اصلی خود فاصله بگیرند.

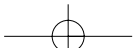
به هر حال همچنانکه در ابتدا گفته شد هدف از برپایی جشن و سرور به مناسبت واقعه مذهبی و اعتقادی میلاد امام زمان (عج) باید تعالی و رشد معنوی باشد:اما اگر هدف رشد مصرف قند و شیرینی و چشم همچشمی برای اسراف برق و... باشد نه تنها در آن رشد و تعالی معنوی دیده نخواهد شد بلکه خود می تواند به عاملی برای خارج کردن اهداف اعتقادی و تبدیل کردن آن به یک برنامه ساده سنتی و آئینی تلقی شود که همه می پذیریم چنین شیوه ای به هیچ وجه با آرمانهای مقدس ائمه اطهار(ع) وشخص امام زمان (عج) هماهنگ نیست.

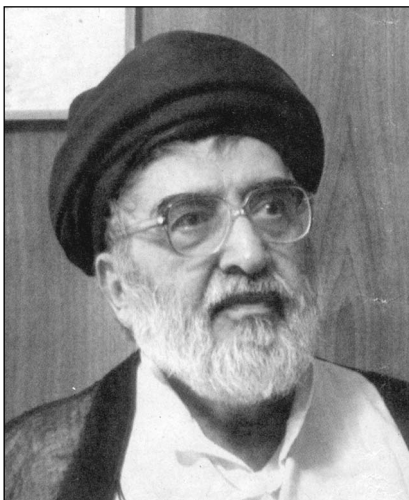
صورت برپایی برخی از کارها به نام جشن و سرور میلاد حضرت مهدی (عج) در قالب اسراف در مصرف شربت و شیرینی که نوعی ترویج مصرف قند و شکر و سبب افزایش شمار بیماران دیابتی در ایران می شود ظلمی پنهان در حق شیعیان است در حالیکه با همین پول ها می توان در دل نیازمندان واقعی جامعه شادی و شیرینی دائمی ایجاد کرد

توزیع گسترده شربت و شیرینی برای مردم جامعه کم تحرک شهرنشین وآپارتمان نشین ها همانند توزیع سم است که می تواند سلامتی آنها را تهدید کند

آقای حسین گج ساز مدرس مراکز فرهنگی - هنری در تهران : به جای اسراف در صرف شربت و شیرینی و مصرف گسترده برق هزینه آن را میتوان در قالب کمک های خیریه به نام امام زمان (عج) برای خانواده های نیازمند بسته های غذایی و برای دختران دم بخت تجهیزیه و برای بیماران مستمند هزینه بیمارستانی تامین کرد

دکتر محمدحسین فهیم نیا مدرس حوزه و دانشگاه : بسیاری از هزینه هایی که برای جشن های نیمه شعبان می شود چون جهت دار و هدفدار نیست به ضد خود تبدیل می شود درحالیکه اگر این هزینه ها در جهت ارتقا فرهنگ شناخت واقعی امام زمان (عج) باشد هیچگاه دچار افراط و تفریط و اسراف نخواهیم شد





گرفت.

... با توجه به سابقه چند دهه دوستی و اخوت بین ما و روابط فرهنگی درازمدت، دو هفته قبل تلفنی با وی تماس گرفتم و ضمن ابراز تأسف نسبت به شرایطی که برای او پیش آورده‌اند، از وی خواستم اجازه دهد که بحث منتشر شده وی را، در راستای ایجاد وحدت مسلمین و تقرب بین مذاهب اسلامی، و دفاع از حق و حقیقت و روشن شدن موضع‌گیری رسمی اخوان المسلمین نسبت به شیعه و تشیع، ترجمه و در جراید ایران منتشر سازم؟

مهندس یوسف ندا، ضمن ابلاغ سلام و احترام به ملت شریف ایران و دوستانی که از قدیم با آن‌ها در ایران، آشناست و روابطی دارد، در مورد ترجمه، گفت: اختیار ما هم با شماست! اینک ترجمه فارسی نوشته یوسف ندا را در اطلاعات منتشر می‌سازیم و متن عربی آن را در شماره آینده مجله رساله‌التقرب ارگان مجمع جهانی تقرب بین مذاهب اسلامی، مطالعه فرمایند.

تردیدی نیست که موضع‌گیری‌های خصمانه آل سعود و ارتجاع عرب - که به تعبیر قرآن مجید اشد کفرأ و نفاقأ می‌باشند و تکفیرها و تبلیغات ضد وحدت مسلمین و ضد تقریبی تبهکاران، مانند همیشه، سرانجام نیکی برای آنان نخواهد داشت و خداوند وعده می‌دهد: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمَجْرُمُونَ

تهران: جمعه ۱۵ شعبان ۱۴۳۰ هـ

سیدهادی خسروشاهی

اخلاق و دین و علم و نسب، بزرگ و بلندمرتبه بود و امام حسین با شرافت و تقوا زندگی کرد و با شهادت از این دنیا رخت برپست. ایشان والاترین نمونه در دفاع از دین و شهادت در راه خدا بود.

اخوان المسلمین بر این باور استوارند که "فقه" و آن چه از اختلاف نظریات و آرای فقهی در میان مذاهب اسلامی وجود دارد، همگی مسائلی بشری و ساخته و پرداخته ذهن زمینی است که فقیهان بزرگوار، تمام زندگی و تلاشهای فکری خود را با اخلاص و دقت فراوان در راه ایجاد آن فدا کرده‌اند و در تکامل این مسیر، از تمام پژوهش‌های علمی در لغت و تاریخ و حدیث و بحث و نظر بهره برده‌اند. این باور و اصل ثابت در اندیشه اخوان، احترام نهادن و بزرگداشت فقیهان و متصدیان این دانش را لازم می‌شمرد؛ چه آن که آنان متون اصلی را از نابودی پاس داشتند، لیکن نتیجه تلاش آنها، تولیدی بشری و نه ربانی است.

اخوان المسلمین و شیعه

استاد سیدهادی خسروشاهی

پاکستان و شیخ محمدغزالی و شهید سیدقطب، بشدت حمله کرد و انتقاد آنان از روش حکومت بنی امیه و بنی عباس، را خلاف حقیقت نامید! و کتاب "خلافت یا سلطنت" مودودی و "عدالت اجتماعی در اسلام" سیدقطب و کتاب شیخ محمدغزالی را جزء کتب ضاله تلقی کرد و آنان را "افتراء" گویان نامید.

این دفاعیه شیخ قرضاوی از بنی امیه نخست در بیروت و سپس عمان و بعد کویت و مصر و... در تیراژ وسیعی با هزینه آل وهاب چاپ و بطور رایگان توزیع گردید.

البته برادر عزیزمان دکتر احمد راسم النفیس، استاد دانشکده پزشکی اسکندریه و از شیعیان معروف مصری، در کتاب "القرضاوی، وکیل بنی امیه" به دفاع از حق برخواست و باطیل شیخ را با مستندات تاریخی پاسخ داد، ولی آنچه که در این میان مهم است این نکته است که آل سعود، کوشیدند که شیخ یوسف القرضاوی را از رهبران اخوان المسلمین قلمداد کنند تا روابط شیعیان و اخوان را تیره سازند...

اما علیرغم خواست آنان اغلب اعضا مکتب الارشاد اخوان المسلمین در مصر، به دفاع از شیعه پرداختند و حتی "مرشدعالم" شیخ مهدی عاکف، ضمن ارسال پیامی، در بحران تجاوز اسرائیل به لبنان، اعلام نمود که اخوان حاضرند ده هزار نفر از میلشیای رزمنده خود را به لبنان اعزام دارند تا در کنار حزب الله و مقاومت اسلامی لبنان، بر ضد متجاوزان، بجنگد! و مناء سفائه همین اعلام همدردی و آمادگی، باعث گردید که بغض و کینه ارتجاع عرب و حاکمیت‌های مزدور، نسبت به اخوان تشدید گردد و دهها نفر از رهبران و اعضا اخوان المسلمین مصر، دستگیر و به زندان بروند و سپس گروههایی از شیعیان مصر تنها به دلیل شیعه بودن، بازداشت و زندانی شوند و سرانجام چند هفته قبل، سازمان امنیت مصر، ضمن دستگیری ۱۷ نفر دیگر از رهبران اخوان، به اتهام

مقدمه: پس از پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه برضد نیروهای فاشیستی - صهیونیست‌ها و استقبال نسل جوان دنیای اسلام از روش مبارزاتی حزب الله، و پس از روشن شدن کمک و یاری مقاومت اسلامی لبنان به برادران مسلمان فلسطینی محاصره شده از سوی مصر و اسرائیل، در "غزه" و همکاری لجستیکی حزب الله با حماس، و پس از اوج گیری گرایش به ضرورت مقاومت اسلامی در قبال امپریالیسم و صهیونیسم در میان نسل جدید اعراب... "فقهأ البترول و علماً السلطان! در گوشه و کنار دنیای عرب بحرکت درآمدند و ضمن تکفیر شیعه و هشدار در مورد تبشیر شیعی!! و اعلام خطر از هجوم!! تشیع به دنیای اهل سنت و حتی تحریم دعا کردن برای پیروزی حزب الله توسط فقیان کروکور آل وهاب (علماً وابسته به حاکمیت ارتجاعی زر و زور و تزویر)... ناگهان بعضی از علما باصطلاح معتدل الازهر و یاساکنان بلادعربی دیگر هم به "رافضی" و "مبتدع" خواندن شیعیان پرداختند و در رأس همه آنها، متأسفانه دوست و برادر قدیمی ما، شیخ یوسف القرضاوی قرار گرفت که ناگهان مستبصر! گردید و به میدان آمد و از خطر تهاجم و تبشیر شیعی "مبتدع" در ماهواره‌های آل سعود و در کنفرانس‌ها و کتابهای که منتشر ساخت، خبر داد! و به جنگ با شیعه، آنهم به عنوان باصطلاح دبیرکل اتحادیه علمای مسلمان جهان اسلام! پرداخت.

متأسفانه شیخ قرضاوی در همین بحران و در اوج بی‌تقوایی به تحریف تاریخ پرداخت و کتابی هم تحت عنوان: "تاریخنا المقتری در علیه" منتشر ساخت که در آن به دفاع از معاویه بن ابی سفیان یزید و بقیه تفاله‌های بنی امیه و بنی عباس و حتی حجاج بن یوسف ثقفی پرداخت... و در این راستا به شخصیت‌های برجسته حرکت‌های اسلامی معاصر، بویژه مولانا سیدابوالاعلی مودودی مؤسس و امیر جماعت اسلامی

گسترده‌گی جغرافیایی اندیشه اخوان المسلمین و میزان روابط اعتقادی و سیاسی آنان با شیعیان، بیش از آن که تحت تأثیر موانع جغرافیایی باشد، از آفت وخیزهای تاریخی تبعیت می‌کند؛ چرا که پیروان مذاهب شیعی در داخل محیط جغرافیایی امت اسلامی رشد کرده و زیسته‌اند و همچنان در درون آن قرار دارند.

هرچند میان گروه‌هایی که مکتب اخوان را به عنوان مرجع اندیشه خویش پذیرفته‌اند، تفاوتی دیده می‌شود، ولی این تفاوت، به دگرگونیهای دائمی و ابداعهای جهشی در نسلهای متفاوت اخوانی‌ها بازمی‌گردد که زاده تفاوت محیط‌های زیستی و تفاوت‌های فرهنگی - تربیتی آنها در نقاط و محیط‌های مختلف است.

از اصول ثابت در عقاید اخوان آن است که الله "پروردگار پاک و مقدس جهان است که با فرستادن "وحی" در قالب کلامی مقدس بر

اخوان المسلمین و شیعه

یوسف ندا

بخش اول

سرورمان حضرت رسول اکرم(ص) از قداست خویش به ایشان بخشید و به جز این دو، هرچه بر روی زمین قرار دارد، از فرزندان آدم و مخلوقات دیگر، همه فاقد این نوع قداست هستند؛ هرچند که جانشینان خدا بر روی زمین باشند. آن گونه که از سخنان و دیدگاه‌های اخوان فهمیده می‌شود، حتی "خلفای راشدین" که از این دین خدا محافظت کردند تا به دست ما برسد و بر ما است که از سنتهای آنان تبعیت کنیم، نظریات و دیدگاههای متفاوتی داشته و از اشتباه در تفسیر و استدلال‌هایشان به دور نبوده‌اند، بلکه آنها انسانهایی فاقد قداست نبوی هستند. در مورد خاندان رسول اکرم و اصحاب و همسران ایشان نیز گفته می‌شود که

آنان سزاوار احترام هستند و از عملکرد و جهاد و اخلاص آنان و خدماتشان به رسول خدا و بهره‌مندی آنان از علوم وحی دفاع می‌کنیم؛ ولی همگی انسانهایی فاقد قداست نبوی هستند. از دیگر اصول ثابت در اندیشه اخوان آن است که حضرت علی - (ع) - صالح‌ترین و پرهیزکارترین شخص در میان خلفای راشدین بود و این موضوع، یک حقیقت تاریخی ثابتی است که اخوان آن را از خود نقل نمی‌کنند. همچنین در برابر منش فاخر و سخنان و کردار بانو فاطمه زهرا(ع) و زینب و اصل و نسب‌شان، واکنشی به جز احترام و تکریم نمی‌توان داشت و سرورمان امام حسن، از نظر

داد: پاسخگو چیزی بیشتر از پرسشگر نمی‌داند.

اما در مورد غالیان شیعه، استاد سیدهادی خسروشاهی که خود یکی از مهمترین علماء و مراجع معاصر در فقه جعفری و همچنین فقه اهل سنت است، در تحقیق تحلیلی - تاریخی خود می‌گوید: توجه به این مسأله لازم است که دانشمندان شیعه در رد غالیان و لعن و بیزاری جویی از آنان کوتاهی نکرده‌اند و هیچ فرقی میان عبدالله بن سبأ - بر فرض واقعی بودن این شخصیت - و دیگران وجود ندارد. حتی در تمام کتابهای کلامی و فقهی شیعه به نجاست غالیان و خروج آنها از دین حکم کرده‌اند؛ به عنوان نمونه شیخ مفید (د۴۱۳هـ-) از بزرگترین دانشمندان شیعه در کتاب تصحیح الاعتقاد تحت عنوان "غلو" آورده است: غالیان به ظاهر مسلمان، افرادی هستند که مقام خداوندی و پیامبری را به امیرمؤمنان و امامان از خاندان او نسبت می‌دهند و چنان توصیفاتی از مقام و فضیلت آنان در دین و دنیا می‌کنند که از حد اعتدال خارج است. اینان گمراهانی کافر



از چپ: مهندس یوسف ندا، علی اصغر محمدی، استاد سید هادی خسروشاهی، شیخ راشد الغنوشی

چهارصد نفر در زیر درخت با پیامبر بیعت کردند. بر همین اساس پس از نام بردن از مهاجران و انصار و تابعان آنان گفته می‌شود که خداوند از آنان خشنود می‌شود (رضی‌الله عنهم). در آیه دیگری آمده است: "و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیكوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند..." (توبه/۱۰۰) ای کاش می‌دانستم چگونه افراد دیندار به خود اجازه می‌دهند درباره صحابه و همسران پیامبر بد بگویند و به آنان نسبت کفر بدهند و حتی لعن آنان را عبادت بخواهند؟

برخی از مناسک و آداب عبادی در میان پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت متفاوت است و گاه بین آنها و شیعیان دوازده امامی نیز در این زمینه اختلافاتی وجود دارد. ولی هیچ فرد با انصافی یافت نمی‌شود مگر آن که امکان تعبد به یکی از روشها و آداب مذاهب پنجگانه را بپذیرد و جایز نیست که با استناد به تفسیرها و قیاسهایی بشری، عبادت‌کنندگان به روش یکی از مذاهب پنجگانه را خارج از امت اسلامی و کافر بخواهیم، مادامی که در چارچوبی حرکت می‌کند که جبرئیل (ع) آن را به پیامبر نشان داد. در حدیث آمده است که جبرئیل (ع) در هیأت مردی اعرابی بر پیامبر وارد شد و پرسید: ای رسول خدا "اسلام" چیست؟ پیامبر فرمود: اسلام شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری من و برپاداری نماز و پرداخت زکات و روزه‌داری ماه رمضان و رفتن به حج خانه خدا در صورت استطاعت است. اعرابی گفت: درست گفتی. سپس پرسید: ایمان چیست؟ پیامبر پاسخ داد: ایمان آن است که به خداوند و فرشتگان و کتابها و پیامبران و روز رستاخیز باور داشته باشی و به "قدر" چه خیر و چه شر، اعتقاد داشته باشی. اعرابی گفت: درست گفتی و پس از آن پرسید: احسان چیست؟ پیامبر فرمود: احسان پرستش خداوند به صورتی است که گویا او را می‌بینی و اگر او را ندیدی، بدانی که او تو را می‌بیند. اعرابی گفت: درست گفتی و سپس پرسید: قیامت چه زمان به پا خواهد شد؟ پیامبر پاسخ

سخنان و دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه و تش‌زایی است که درباره شیعیان گفته می‌شود و به تفرقه و شکاف می‌انجامد. همان دیدگاه‌هایی که گاه آنان را "رافضی!!" و گاه "متبذع" - بدعت‌گذار - می‌خواند! سیل عظیمی از کتاب‌ها در این زمینه تالیف شده است تا بدانجا که بیشتر اهل سنت گمان کردند آن چه در این کتابها از افترا و دروغ و مبالغه در دستکاری و بدعت‌گذاری، به شیعیان نسبت داده شده، همگی حقایق ثابت و غیرقابل انکاری هستند. اما حقیقت آن است که مؤلفان این گونه کتابها یا کینه‌توزانی هستند که خون‌بهای عزیزانشان را نتوانسته‌اند باز بستانند، یا فریب خورده و نادانند و یا فرصت‌طلبان و سیاستمداران سودجویی هستند که دین خود را می‌فروشند تا حاکمان را خشنود سازند و بدتر از همه این که - از طرف بعضی‌ها -! گاه کافران و اهل کتاب، بر شیعیان ترجیح داده می‌شوند!

یکی از بدترین جنایات تاریخی، انتساب شیعیان به ابن‌سبأ است که از لحاظ تاریخی اصولاً ثابت نشده که وجود خارجی داشته یا شخصیتی افسانه‌ای بوده است تا بهانه‌ای برای زدن برچسب کفر بر شیعیان باشد. شایسته است در این جا سخنی را از علامه آیت‌الله محمدحسین کاشف‌الغطا نقل کنیم: "اما عبدالله بن سبأ که او را به شیعه می‌چسبانند و یا شیعیان را به او نسبت می‌دهند، در تمام کتاب‌های شیعه ملعون شمرده و از او بیزاری جسته‌اند و کمترین چیزی که در کتابهای شیعه در حق او گفته شده این است که عبدالله بن سبأ ملعون‌تر از آنی است که نامش برده شود؛ و لعن و نفرینهای دیگری از این قبیل..."

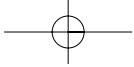
همچنین اندیشه اخوان المسلمین بدگویی از همسران پیامبر و بزرگان صحابه و یا ایراد اتهام ستمکاری یا کفر به آنان را از سوی هیچ کسی برنمی‌تابد. نصوص قرآنی و روایی معتبر بر عدالت آنان و خرسندی و رضایت خداوند از جملگی آنان دلالت دارند و از آن جمله، این آیه قرآن است: "به راستی خدا هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند از آنان خشنود شد..." (فتح/۱۷) در آن زمان هزار و

باز بودن باب اجتهاد و لزوم بازنگه داشتن آن تا روز قیامت نیز از باورها و اصول ثابت اخوان است؛ لیکن تنها کسی حق تصدی این منصب را دارد که ابزارهای لازم را از دانش لغت و تاریخ و درک و شناخت بالا و دقت و اندیشه روشن، دارا باشد.

از دیگر اصول ثابت اخوان المسلمین آن است که تلاشهای اجتهادی پیشوایان دینی و فقیهان درباره تاریخی معین و محدودی صورت گرفته و بخشی از فتواها و تفسیرهایی را که در پی داشته‌اند می‌توان مختص به زمانی خاص دانست و تعمیم و استمرار تمام آنها به زمان حاضر درست نیست. بر این اساس نمی‌توان همچنان به این دلیل که به ظاهر از ضروریات دین هستند در هر زمان و مکان به آن‌ها پای‌بند بود. بهترین مثال بر این گونه فتاوا، آرای ابن‌تیمیه و ابن‌قیم درباره لزوم اطاعت از ولی امر است که به ابزاری در دست طاغوتان و غاصبان حکومت‌ها برای تداوم سلطه خود و فرزندانشان بر مردم، تبدیل شد و به این بهانه که آن‌ها ولی امر مسلمانان هستند و به نام دین امر و نهی می‌کنند و اطاعت از آنان واجب است. در این زمینه نیز به احادیثی استناد کردند که آنها را مطلق دانسته و به قیود آنها یا آن چه درباره ضعف یا قوت آن‌ها گفته شده، توجهی نکردند. همچنین به بخشی از این آیه کریمه استناد کردند: "اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم: ... خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید..." (نساء/۵۹) در حالی که ادامه آیه، قاعده‌ای اصلی را بیان می‌کند و آن را معیار در زمان اختلاف است: "پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید..." بر این اساس خداوند و پیامبرش که از سوی خداوند به واسطه وحی قداست خاصی یافته، مرجع اختلافات معرفی شده‌اند. و به همین دلیل خلیفه اول گفت: تا زمانی که در بین شما از خداوند اطاعت کردم، از من فرمان برید.

از آرا و فتاوای مردود در نزد اخوان،

از دیگر اصول ثابت در اندیشه اخوان آن است که اسلام میان نژادها و قومیت‌های مختلفی که به دین اسلام می‌گروند، وحدت بوجود آورد و همه آن‌ها را جمع کرد و هیچ کدام از آنها را نفی و لغو نکرد. خداوند در



و رضایت خداوند از آنان دلالت دارند و از آن جمله، این آیه قرآن است: *«به راستی خدا هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با تو بیعت می کردند از آنان خشنود شد...»* (فتح/۱۷)

همچنین اخوان المسلمین باور قطعی دارند که اختلاف در فروع دین باعث خروج از دین نمی شود و مسأله اساسی در تشیع به اختلاف در مسأله ولایت و امامت برمی گردد و به اصول و پایه های دین ارتباطی ندارد. به عبارتی دیگر موضوع اختلاف، یک امر سیاسی است.

سخن من در اینجا درباره ایده تهاجم فکری نیست که گروهی با نام خویش خوانده و فریبده سلفی (اصولگرایی) به آن می پردازند. این نام شایسته آنان نیست که اندیشه ای ظاهرنگر و سطحی و غلوآمیز و گزینشی را ترویج می کنند. تلاش صاحبان اندیشه سلفی در کنار شرایط مساعدی که برای آنان فراهم شد و مجالهای سخنرانی و منابع مالی که جهت چاپ کتاب هایشان در اختیارشان قرار گرفت، آنان را در مقابله با جریان معتدل اخوان المسلمین که تمام اندیشه های تعصب آمیز و زیاده خواه را از جلوی راه خود برکنار کرده بود، توانا ساخت و این مهاجمان، رمه وار در مسیری حرکت کردند که گویا خط توحید و عقیده نام گرفت! در واقع اخوان المسلمین، نه براساس ظاهر این نام گذاری، بلکه همگام با مضمون آن و در راه علماء و پیشوایان پرهیزکار پیشین حرکت می کند. آنان به باطن و نه فقط ظاهر اهمیت می دادند و بر همین اساس، همگان را جذب کرده و هیچ کس را دفع نکردند؛ همه مسلمان دانستند و کسی را تکفیر نکردند؛ همواره آسان گرفتند و سختگیری نکردند؛ همه جا پذیر دوستی کاشتند و کینه و بیزاری را به دل راه ندادند؛ با همگان نرمخو بودند و تندی روانداستند.

اما آنان که به زور نام *«سلفی»* را صادره کرده و به خویش چسبانده اند، دین گرایان تازه کاری هستند که می خواهند نشان دهند هر کدام به شیوه ای متفاوت خوانده و شنیده اند و غیر خود را با ترش رویی به باد انتقاد بگیرند. با این حال نمی دانند که آن چه شنیده و خوانده و دیده اند تنها یک اندیشه و فکر بوده که ذهنشان را پر کرده و مجالی برای شنیدن رأی مخالف و حقایق پنهان مانده دیگری قرار نداده است. آنان همواره سخن رهبر یا سرور خود را تکرار می کنند که عقلشان را تهی ساخته و جای آن را با تخم کینه و بیزاری، و تعصب و زیاده خواهی و غلو سطحی نگری و کوری اندیشه و دریافت پوخته علم و معرفت، پرکرده است. اظهارات پیشین من درباره اختلاف میان اهل سنت و شیعیان دوازده امامی و اختصاص آن به فروع و نه اصول دین، واکنش تند این گروه سطحی نگر و زیاده خواه را در پی داشت و مرا با نوشته ها و سخنرانی هایشان مورد آماج حملات خود قرار دادند.

هیچ کدام پیش از اظهارات کم عمق و سطحی خویش، از خود یا بزرگان شان نپرسیدند و یا در کتاب های پیشوایان فقهی گذشته جستجو نکردند تا تفاوت اصول و فروع دین را بدانند.

است و با ارسال وحی در قالب کلامی مقدس بر سرورمان حضرت رسول اکرم (ص) از قداست خویش به ایشان بخشید و به جز این دو، هر چه بر روی زمین قرار دارد، از فرزندان آدم و مخلوقات دیگر، همه فاقد آن نوع قداست هستند. و می دانیم که آرا و دیدگاه های خلفای راشدین نیز با یکدیگر تفاوت داشته و از خطا و اشتباه مصون نبوده اند.

از دیگر باورهای اساسی و ثابت اخوان که در طول همراهی ام با جمعیت، با این باورها رشد یافته و شخصیتم شکل گرفته، آن است که علی (ع) صالح تر و پرهیزکارتر از معاویه ای

زمینه های فعالیت حرکت اخوان المسلمین سخن می گوید. فعالیت های گسترده اخوان با گرایش دینی منجر به بازداشت و زندانی شدن - و اعدام - بسیاری از رهبران و فعالان آنها شد و تمام این ضربه ها و زخم ها را در مسیر دعوت به راه خدا، از پیش می دانستند و آن ها را پذیرفته بودند. از خداوند متعال برای هر آن که به مصایب این مسیر رضایت داد، طلب آرامش می کنیم و آزادی تمام زندانیان این راه را خواستاریم. همانا خداوند یگانه است و شایسته ستایش.

بخش دوم -

اختلاف شیعیان و اخوان در فروع دین

از اصول ثابت در عقاید اخوان آن است که «الله» پروردگار پاک و مقدس جهان است که با فرستادن «وحی» در قالب کلامی مقدس بر سرورمان حضرت رسول اکرم (ص) از قداست خویش به ایشان بخشید

است، نه اصول آن

پس از جستاری که درباره ارتباط اندیشه اخوان با شیعه نگاشتم، نامه های فراوانی دریافت کردم که پرسشی شگفت را مطرح می کردند: دفتر ارشاد - کمیته مرکزی سازمان - بر روش و اقدام شما اعتراض کرده است... و آیا این موضوع، آغاز رویارویی شما با اعضا دفتر ارشاد است؟ پاسخ من به آنها چنین است: این سخن درست نیست؛ زیرا همان گونه که گفتم من تنها سطری در دایره المعارفی هستم که نامش اخوان المسلمین است و تصمیمات دفتر ارشاد به ریاست *«مرشد عام»*، بیانگر راه و گرایش تمام افرادی است که به این جمعیت وابسته اند. این مسأله به آن معنا نیست که نباید میان دیدگاه من و یا اعضای دیگر اخوان با دیدگاه هر یک از اعضای دفتر ارشاد، اختلافی وجود نداشته باشد. لازم است بر عبارت *«اعضای دفتر ارشاد»* تأکید کنم؛ زیرا من تنها از سوی یک نفر مورد اعتراض قرار گرفتم. و البته گروهی هم عقیده من و گروهی مخالف هستند. جمعیت اخوان از امکانات عظیم علمی و فقهی و تخصص در همه زمینه ها برخوردار است و حکیمانه نیست که بخشی را سرکوب و ساکت کنیم؛ لیکن رهبری جمعیت می تواند این گرایش های متفاوت را هدایت کند. منظور از رهبری، دفتر ارشاد به ریاست *«مرشد عام»*، و نه تک تک اعضای آن است.

اخوان و رابطه آنها با شیعیان

مطلب خود را خطاب به افرادی که نمی فهمند یا بهتر بگویم نمی خواهند بفهمند تکرار می کنم تا متهم به نظریه پردازی نشوم: گستردگی جغرافیایی اندیشه اخوان المسلمین و میزان ارتباطات اعتقادی و سیاسی آنان با شیعیان، بیش از آن که تحت تأثیر موانع جغرافیایی باشد، از افت و خیزهای تاریخی تبعیت می کند؛ چه آن که پیروان مذاهب شیعی در داخل محیط جغرافیایی امت اسلامی رشد کرده و زیسته اند و همچنان درون آن قرار دارند. همچنین باید اضافه کنم طبق اصول ثابت در باورهای اخوان که با آنها بزرگ شده ام، *«الله»* پروردگار پاک و مقدس جهان

قرآن می فرماید: *«و شما را ملت ها، و قبیله ها گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی حاصل کنید...»* (حجرات/۱۳) هدف از اشاره به تنوع قبایل و نژادها در این آیه شناسایی متقابل و نه دشمنی و تحقیر یکدیگر و یا ترک اصول و ریشه ها دانسته شده است.

بنابراین فریادهای قومی گرایانه و نژادپرستانه عربی و ایرانی در میان ملت های مختلف مسلمان، مخالفت با اراده خداوند است. هیچ فضیلتی برای عرب بر عجم نیست، مگر در تقوا و پرهیزکاری. *«بخاری»* نمونه خوبی در این زمینه است که اصل و ریشه اش به دورترین مناطق فارسی زبانان برمی گردد و مجموعه عظیمی از احادیث را گرد آورد که مرجع عرب و غیرعرب گشت. خداوند در قرآن می فرماید: *«در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.»* (حجرات/۱۳)

از دیگر باورهای اصولی و ثابت در اندیشه اسلامی اخوان المسلمین، احترام گذاردن و ارج نهادن به سنت ها و آداب و رسوم قبایل و ملت هایی است که به دین اسلام گرویده اند. البته تا جایی که این آداب و رسوم با اصول اسلامی مغایرتی نداشته باشند و هم عرض اسلام قرار نگیرند. به عنوان نمونه در فرهنگ و اندیشه اخوانی، زنان با حجاب اسلامی به صورتی که تنها مچ دستان و صورتشان دیده شود، می توانند در تمام زمینه های اجتماعی فعالیت داشته باشند... تا جایی که به تعهدات دینی و عفت و پاکدامنی آنها لطمه ای وارد نشود.

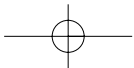
اخوان المسلمین تلاشی برای تحمیل نظر خود بر زنان وابسته به گروه از دیگر فرهنگ ها و ملیت ها با آداب و رسوم متفاوت، نمی کنند و مادامی که آنان از وضعیت سنتی خویش راضی بوده و با دین اسلام مغایرتی نداشته باشد، اخوان المسلمین نیز دخالتی در امور آنها نمی کنند؛ هرچند در برخی فرهنگ ها که چادر یا روبند را برای زنان می پسندند، زیاده روی هایی نیز دیده می شود، اما فرهنگ و اندیشه اخوان بر اساس عدم اجبار زنان به نوع خاصی از پوشش است. بنابراین، در جهت حفظ این رویکرد، زنان را به استفاده از چادر یا روبند یا غیر آن دعوت نمی کنند و جائز بودن باز بودن مچ دستان و صورت، تنها سخن اخوان در این زمینه است.

البته اخوان المسلمین نخست جمعیتی محدودی بود و در طول زمانی که به نیم قرن نمی رسد به اندیشه و نهضت و فرهنگی ویژه تبدیل شد که اکنون مورد بحث ما است. نگارنده ادعای نظریه پردازی یا رهبری فکری و یا داشتن مقام و درجه ای - کوچک یا بزرگ - در دانش فقه یا اداره جمعیت اخوان را ندارد و هیچ کدام از اینها جزو تخصص یا فعالیت ها یا وظایف او نبوده است؛ بلکه از تجربه شصت ساله خود با سازمان اخوان، در نمایندگی ها و کادر اداری جمعیت، در گردانها یا اردوهای نظامی و اردوگاه ها، در تجمعات و تظاهرات و راهپیمایی های سیاسی، در بازداشتگاه ها و زندانها، در کارهای خیریه و خدمات اجتماعی، در سیاست گذاری های منطقه ای و یا کشوری و بین المللی و همچنین در اقتصاد و صنعت و تجارت و بانکداری و در تمام

بود که خلافت را غصب کرد و سپس مسلمانان را بازیچه دست خود نمود و تملک خویش را برای وارثان فاسدش بر جای گذاشت. این موارد، حقایق تاریخی هستند که فقط توسط اخوان المسلمین نقل نمی شوند. همچنین اخوان بر این باور استوارند که فقه و اختلافات کوچک و بزرگ فقهی در میان مذاهب، همگی محصولی بشری بوده و البته احترام متصدیان این دانش، ضروری و لازم است. باز بودن باب اجتهاد و لزوم باز نگه داشتن آن تا روز قیامت نیز از باورها و اصول ثابت اخوان است و تلاش های اجتهادی پیشوایان دینی و فقیهان در دوره تاریخی معین و محدودی صورت گرفته که فتاوا و تفسیرهایی را در پی داشته اند که مختص آن زمان بوده اند و نمی توان همه آنها را در زمان حال نیز تعمیم داد و پی گرفت. بهترین نمونه بر این گونه فتاوا، آرای ابن تیمیه و ابن قیم در ضرورت اطاعت از ولی امر است که به ابزاری در دست طاغوت و غاصبان حکومت تبدیل شد تا خود و فرزندان شان را ولی امر مسلمانان بخوانند.

از آرا و فتاوای مردود نزد اخوان، اتهام تعصب و خیره سری و تنگ نظری به شیعیان و توصیف آنان به *«رافضی»* (از دین برگشته) است. در این زمینه کتاب های فراوانی نوشته شده و به دروغ نسبت هایی به آنان داده شده است تا جایی که بیشتر اهل سنت گمان کردند آن چه در این کتاب ها از افترا و دروغ و مبالغه در دستکاری و بدعت گذاری، به شیعیان نسبت داده شده، همگی حقایق ثابت و غیرقابل انکاری هستند. در حالی که نویسنده یا ناشر این گونه کتاب ها یا کینه توزانی هستند که بر ستاندن خونبهای عزیزانشان ناتوانند یا فریب خورده و نادانند، یا فرصت طلبان و سیاستمداران سود طلبی هستند که دین خود را می فروشند تا سلطان! را خشنوند سازند.

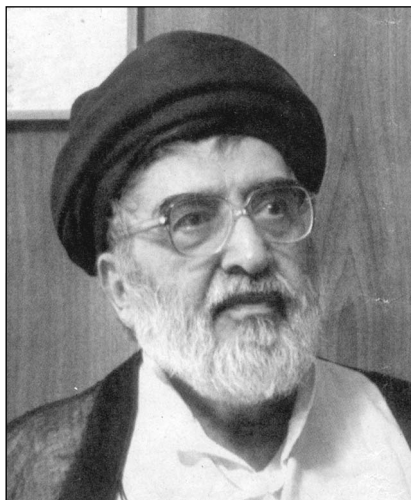
همچنین اندیشه اخوان، بدگویی از همسران پیامبر و بزرگان صحابه و یا ایراد اتهام ستمکاری یا کفر به آنان را بر نمی تابد. نصوص قرآنی و روایی معتبر بر عدالت آنان و خرسندی



اخوان المسلمین و شیعه

شیخ قرضاوی چه می گوید؟

بخش دوم و پایانی



اقامت اجباری قرار دارد.

ترجمه بخش دوم یادداشت‌های یوسف ندا را در پاسخ به کسانی که پس از نشر مقاله "شیعه و اخوان المسلمین" در سایتهای اسلام اون لاین" و "الفجرالثقانی" و "اخوان اون لاین" تاخته‌اند و یکی از آنان به نام "دکتر محمود غزلان" عضو مکتب الارشاد است، در اینجا می‌خوانید خداوند یوسف ندا و برادران همفکر او در مصر را، از زندان طواغیت و مزدوران آن رها بخشد.

سیدهادی خسروشاهی
تهران: نیمه شعبان ۱۴۳۰هـ-
۸۸/۵/۱۶

گردید؛ اما یوسف ندا در این یادداشت، ضمن ادای احترام به شیخ قرضاوی، منطق او را در تبلیغ علیه شیعه نمی‌پذیرد و از آن انتقاد می‌کند. یوسف ندا توانسته بود با استفاده از شرایط موجود در لوگانو "بانک تقوا" - بنک التقوی - را با همکاری شیخ یوسف قرضاوی که از سهامداران عمده بانک شده بود، تأسیس کند و امور شرعی بانک بدون ربای تقوا، زیر نظر شیخ قرضاوی و شیخ قره‌داغی (معاون قرضاوی) اداره می‌شد. یوسف ندا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، به اتهام واهی کمک مالی به القاعده تحت تعقیب قرار گرفت و به علت فشارهای پلیس آمریکا، فعالیتهای بازرگانی وی متوقف گردید و بانک تقوا نیز به ورشکستگی کشیده شد و خود و این بار در غرب حقوق بشری و آزادی - به دادگاه رفت!

یوسف ندا علی‌رغم تیره در دادگاههای ایتالیا و سوئیس، از اتهام پلیس آمریکا، همچنان از هفت سال پیش "ممنوع الخروج" است و تحت

حرکتهای اسلامی معاصر در جهان اسلام را توسعه دهد و به موازات آن‌ها، به دفاع از حقوق پایمال شده هزاران اخوانی زندانی شده در مصر و بعضی دیگر از بلاد عربی بپردازد و در این راستا از هیچ تلاش و کوششی دریغ نوزد. چند روزی که در لوگانو در منزل یوسف ندا و در کنار شیخ تلمسانی بودم، وفاداری او را به مکتب اخوان و پیروی کامل از دستورات رهبری - مرشد عام - را به عیان دیدم. او در همین رابطه و با توجه به رهنمودهای شهید حسن البنا و شیخ تلمسانی، به نشر اندیشه تقرب بین مذاهب اسلامی و رفع اشکالات از ذهن برادران اهل سنت درباره عقاید شیعه پرداخت و در این راه، حتی با شیخ یوسف قرضاوی که از همکاران و یاران قدیمی او بود، اختلاف پیدا کرد؛ چرا که متأسفانه شیخ قرضاوی از راه اعتدال در رشد و همان‌طور که در شماره قبل اشاره کردیم، حتی به مبارزه علنی علیه آنچه او آن را "تبشیر شیعی" می‌نامید برخاست و موجب تأسف اهل خرد

مقدمه : مهندس یوسف ندا از اعضای کادر مرکزی اخوان المسلمین مصر، پس از حوادث سرکوب اخوان توسط عبدالناصر پس از سال ۱۹۵۴م به علت محکومیت به اعدام، توانست با سوار شدن مخفیانه بر یک کشتی باری که از کانال سوئز عبور می‌کرده، از قاهره فرار کند و در یکی از بنادر عربی کشورهای حوزه خلیج فارس پیاپی شد...

پس از مدتها آوارگی و سختی‌های بسیار، توانست به اروپا برود و با توجه به تخصص‌هایی که داشت، به امر تجارت و واردات و صادرات از کشورهای عربی - اسلامی بپردازد.

یوسف ندا پس از مدتی تلاش صاحب ثروت و سرمایه شد؛ ولی هدف را فراموش نکرد و همزمان به سازماندهی تشکیلات اخوان در خارج از مصر پرداخت و توانست با هدایت مرشد عام و مکتب ارشاد اخوان در قاهره، "سازمان بین‌المللی اخوان" - التنظيم الدولی - را سامان بخشد و روابط بین اخوان و رهبری

رابطه من با قرضاوی و موضوع ایران

در بحث پیشین، مطالبی به صورت خلاصه و متمرکز درباره شیعه ارائه شد و علاقمندان آگاهی بیشتر، به کتابهای فقه و تاریخ - نه تألیفات شیوخ سلطان‌های ناپاک و شیطنانی ارجاع داده شدند و البته نباید به اطلاعاتی ناقصی اکتفا شود که به انحراف و مسموم‌سازی افکار و باورها راه می‌برد. برخی پنداشته‌اند که من در دام "خوش‌گمانی" گرفتار آمده‌ام و ناتوانم از گوش دادن به دانشمندان و فرهیختگان وابسته به اخوان یا مستقل، مانند دکتر یوسف قرضاوی که گویا او نیز مانند من، "خوش‌گمان" بوده ولی بعد بیدار شده و طی مقالات آتشین خود، نقشه‌های شیعیان را در دنیا برملا ساخته است.

میزان آشنایی من با دکتر قرضاوی و احترامی که برای او و علم و عمق نگاه او دارم، بر هر آشنا و غریبه‌ای آشکار است. ایشان از مهم‌ترین پیشوایانی بود که من از نظراتش در دین و دنیای خود بی‌روی کردم و حتی در زندگی خانوادگی و اقتصادی خویش نیز از او پیروی نمودم. با این حال حق من است که در بعضی از مسائل با او مخالف بوده و در زمینه‌ای که اطلاعات و تخصص دارم، دیدگاه خاص خود را داشته باشم. از این دست می‌توان به موضوع "شیعه و ایران" اشاره کرد. دکتر قرضاوی خود می‌داند که این اختلاف دیدگاه، از علاقه و محبت و احترام من نسبت به او نمی‌کاهد و او همان دکتر قرضاوی است که دانش و بینش او، حشرات مودی به نام "سلفی‌ها" را تار و مار کرد و در مقابل آنان هم هجوم به او و تخریبش را عبادت شمردند و داناترین آنها بیش از دو یا سه کتاب نخوانده‌اند و با این حال، چنان

شیعه و رهبری اخوان

کردیم. ایشان ما را از ورود در این قبیل مسائل منع کرد و گفت که مسلمانان نباید خود را با این قبیل مسائل مشغول کنند و باید متوجه باشند که دشمنان اسلام، از این قبیل مسائل برای آتش‌افروزی و ایجاد فتنه بهره می‌گیرند!

به حضرت ایشان گفتیم: ما از روی تعصب و یا برای گسترش دامنه اختلاف بین مسلمانان، این موضوع را مطرح نکردیم، بلکه هدف ما آگاهی از حقیقت است؛ چون مطالبی که در کتابها درباره شیعه و سنی مطرح هست، قابل شمارش نیست و ما به‌طور طبیعی نمی‌توانیم به بررسی و تحقیق درباره این کتابها و منابع بپردازیم؟! امام حسن البنا - رضوان الله علیه - فرمود: بدانید که اهل سنت و شیعه همگی مسلمان‌اند و کلمه توحید: لا اله الا الله، و اشهد ان محمد رسول الله، همه آنان را گرد هم می‌آورد و در این اصل اساسی عقیدتی، شیعه و سنی یکسان‌اند و به هم می‌رسند؛ اما اختلاف در میان این دو جناح، در فروع و در مسائلی است که می‌توانیم آنها را هم به هم نزدیک کنیم.

پرسیدیم: می‌توانید نمونه‌ای ذکر کنید؟

امام گفت: شیعه نیز مانند مذاهب چهارگانه اهل سنت، دارای فرقه‌های گوناگونی است؛ مثلاً شیعه امامیه، مسئله امامت را یک امر ضروری در اسلام می‌دانند که حتماً باید تحقق یابد، برای اینکه امام حافظ شریعت است و سخن او درباره احکام شرعی، کلمه فصل و حکم نهایی است و اطاعت وی به‌طور مطلق، واجب است.

در بعضی مسائل فقهی هم اختلاف هست که می‌توان آنها را برطرف کرد؛ مانند مسأله ازدواج موقت و یا تعداد همسران در نزد بعضی از فرق شیعه و امثال اینها، که ما نباید اینها را وسیله‌ای برای جدایی بین اهل سنت و شیعه قرار دهیم، بلکه باید توجه داشته باشیم که هر دو مذهب، صدها سال در کنار همدیگر و بدون هیچ‌گونه برخوردی - مگر در کتابها و نوشته‌جات - با یکدیگر مشکلی نداشته‌اند و باز می‌دانیم که امامان و پیشوایان شیعه آثار بسیاری از خود به یادگار گذاشته‌اند که در واقع ثروت گرانبهایی در کتابخانه‌های مسلمانان است.

تا اینجا سخن از امام شهید حسن البناست و من هم عقیده دارم خبر دنیا و آخرت، در آن است که ما هرگز دنبال اموری که موجب اختلاف بین شیعه و سنی می‌گردد، نرویم؛ زیرا که این، هدف مهم دشمنان اسلام است. برای توضیح بیشتر در این زمینه به کتاب این جانب: "زندگی و مبارزه نواب صفوی" بخش سفر به مصر، چاپ موسسه اطلاعات، مراجعه شود.

۲۵ سال پیش، که به علت اشتغال در سفارت ایران در "واتیکان"، مقیم "ایتالیا" شده بودم، مهندس یوسف ندا، مسئول تنظیم بین‌المللی اخوان، از لوگانو "زنگ زد که مرشد عام اخوان، شیخ عمر التلمسانی، مریض شده و برای معالجه از قاهره" به آن شهر منتقل شده است. با قطار عازم لوگانو شدم که منطقه‌ای بین ایتالیا و سوئیس است و به علت شرایط خاص اقتصادی و عدم دریافت مالیات از بازرگانان، محل تجمع عده‌ای از تجار بلاد مختلف عربی و اسلامی هم شده است.

در بیمارستان لوگانو به دیدار شیخ رفتم با "سرم" وصل شده در دست، از ما استقبال نمود و از اوضاع ایران و موفقیت انقلاب و ضرورت وحدت مسلمانان شیعه و سنی، سخنانی گفت که متن عربی آن گفتگوها، پس از استخراج از نوار، از طرف مرکز فرهنگی ما در ایتالیا چاپ و در سطح وسیعی توزیع گردید که تأثیر خاصی در افکار عمومی اهل سنت داشت.

ترجمه فارسی آن گفتگو بعد از مراجعت به ایران، در روزنامه "اطلاعات" منتشر شد که مورد توجه علاقه‌مندان به "تقریب بین مذاهب اسلامی" قرار گرفت.

شیخ علاوه بر آن گفتارها، در خاطرات خود - ذکریات لامذکرات - چاپ قاهره هم باز به این مسائل وحدت‌آفرین پرداخته و از قول شهید شیخ حسن البنا مطالبی نقل کرده است که ترجمه خلاصه آن، به تناسب مسائل روز و حوادث بلاد عربی و اسلامی، در اینجا نقل می‌شود:

۱۵ شعبان، سیدهادی خسروشاهی

شیخ عمر التلمسانی سومین مرشد اخوان، دیدگاه شهید شیخ حسن البنا مؤسس و نخستین مرشد اخوان المسلمین را درباره شیعه و سنی چنین بیان می‌کند: "امام البنا - رضوان الله علیه - توجه خاصی برای ایجاد وحدت اسلامی داشت و اخوان المسلمین در گذشته و امروز، و در آینده نیز در راه این وحدت خواهند کوشید، ولو اینکه در این هدف بزرگ، دچار مشکلاتی بشوند.

مسلمانان طبق نص صریح قرآن امت واحدی هستند: "وان هذه امتکم، امه واحده". من به خاطر دارم که در سالهای ۴۰م آقای قمی - که یک عالم شیعی بود - در ساختمان مرکزی اخوان، به عنوان میهمان اقامت داشت و در آن هنگام امام شهید، به‌طور جدی در راه تقریب بین مذاهب اسلامی می‌کوشید تا دشمنان نتوانند از دوری و جدایی مسلمانان سوءاستفاده کرده و وحدت امت اسلامی را از بین ببرند.

روزی از امام درباره مسئله اختلاف بین شیعه و سنی سؤال

ادعای فرهیختگی می‌کنند که قصد عبور از کوه دانش قرضاوی را دارند.

چندین بار تکرار کردم که گفته‌هایم، اندیشه‌ها و باورهای بود که در مکتب اخوان و میان اخوان، با آنها آشنا شدم و با آنها زیستم. اخوان هیچ کسی را ملزم به پذیرش اندیشه خویش نکرد؛ بلکه دامنه نگاه خود را با تسامح بر تمام کسانی گسترش داد که با آنان همراهی کردند و تمایل داشتند جزو آنان باشند، ولی خواهان پابندی به آداب و رسوم ایل و طایفه خود بودند. آداب و رسومی که شاید با اصول و باورهای اخوان متفاوت بود البته تعارضی با شرع اسلام نداشت و به عنوان نمونه، به حجاب زنان اشاره کردم. اکنون حتی با مسامحه نمی‌توانم بپذیریم که کسی با مطالعه سطحی کتابهایی مسموم، یا شنیدن قطعه‌های گزینش شده از سخنرانی‌ها در رادیو و تلویزیون، بخواهد بر اطلاعات من درباره شیعه و ایران بیفزاید! چه آنکه من از سال ۱۹۷۸ به مدت نزدیک به سی سال مسئول پرونده ایران بودم و زمان فراوانی را در تهران، قم، کرمانشاه، یزد، اصفهان، بلوچستان، خوزستان، آبادان گذراندم و با شخصیت‌های شیعی در پاکستان، آمریکا، انگلستان، سعودی و ایران که برخی شخصیت‌های سیاسی در بالاترین درجه‌های هرم دینی و سیاسی و وزیران و تاجران سرشناس نیز در میان آنها بودند، ملاقات کردم و با بسیاری از



بیانگر اندیشه و فرهنگ میلیون‌ها نفر از وابستگان اخوان در تمام جهان است! باید به این دوستان بگوییم که این گونه راه به منزل نمی‌برند.

من ادعای نظریه پردازی یا پیشوایی فکری و یا مقام و درجه‌ای کوچک یا بزرگ در دانش فقه یا رهبری جمعیت اخوان ندارم و هیچ کدام از اینها جزو تخصص یا فعالیتها یا وظایف من نبوده است؛ بلکه از تجربه شصت ساله خود با گروه اخوان، در نمایندگی‌ها و کادر اداری جمعیت، در گردانها یا گروه‌های نظامی و اردوگاه‌ها، در تجمعات و تظاهرات و راهپیمایی‌های سیاسی، در بازداشتگاه‌ها و زندانها، در کارهای خیریه و خدمات اجتماعی، در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و یا بین‌المللی، و در اقتصاد و صنعت و تجارت و بانکداری و در تمام زمینه‌های فعالیت اخوان المسلمین، سخن می‌گویند. فعالیتهای گسترده اخوان با گرایش دینی در این عرصه‌ها متفاوت، منجر به بازداشت و زندانی و اعدام شدن بسیاری از رهبران و فعالان آنها شد و تمام این ضربه‌ها و زخم‌ها را در مسیر دعوت به راه خدا، از پیش می‌دانستند و پذیرفته بودند. از خداوند متعال برای هرآن که به مصایب این مسیر رضایت داد، طلب آرامش و سلامتی می‌کنیم و آزادی تمام زندانیان این راه را خواستاریم. همانا خداوند بزرگ است و شایسته ستایش. الله اکبر و لله الحمد.

توضیح:

مهندس یوسف ندا سرپرست سابق روابط بین الملل اخوان المسلمین، در پاسخ به دکتر محمود غزلان عضو مکتب الارشاد که به پاسخگویی بر مقاله یوسف ندا درباره شیعه و اخوان پرداخته بود، پیامی فرستاده است.

روزنامه المصری الیوم چاپ قاهره می‌گوید مطلب منتشر شده از یوسف ندا، منطقی و عقلانی و به دور از الفاظ تندید بود که غزلان در پاسخ به او آنها به کار برده است.

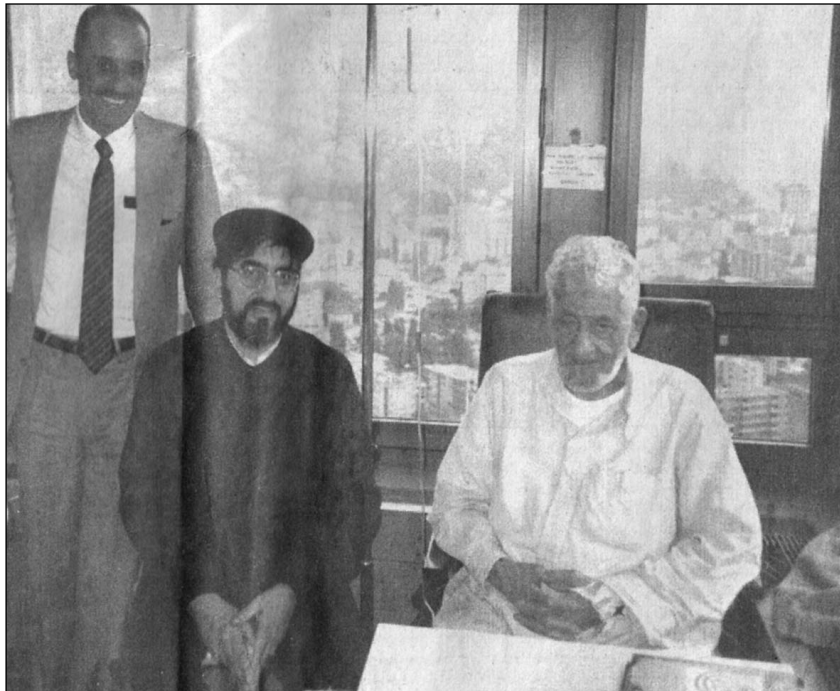
یوسف ندا می‌گوید که سخن من از شیعه ناشی از باور شرعی و تاریخی و فقهی و سیاسی من است و علی‌رغم اختلاف نظر با شیعه در بعضی امور و آداب و رسوم، هرگز نمی‌توانم آنان را تکفیر کنم و دور از اسلام بنامم و به بهانه اینکه گویا شیعیان از راه تفقه حرفهای تقریبی و وحدت طلبانه می‌زنند، نمی‌توان دستور قرآن را که همه باید برادرانی باشیم، نادیده بگیریم و از راه راست منحرف شویم.

البته به خاطر داریم که نظام مصری و نویسندگان و مطبوعات مصر، پس از حوادث کمک حزب الله به مردم مسلمان غزه از طریق مصر، به شدت و به مقیاس وسیعی علیه شیعه به تبلیغ پرداخته‌اند، بویژه که انتقادهای تند و گزنده سیدحسن نصرالله علیه رژیم مصر در رابطه با موضوع ناجوانمرانه آن در تجاوز اسرائیل به غزه وقتی قتل عام مردم آن و حتی نوعی همکاری با آن موجب بحرانی‌تر شدن روابط بین حزب الله و رژیم مصر گردید.

اینک پیام یوسف ندا: برادر فرهیخته‌ام دکتر غزلان و تمام برادرانی که بر جستارهای پیشینم اعتراض کردند!

شاید از دریافت این نامه از سوی من شگفت زده شوی؛ به ویژه پس از آنچه درباره من - هنگام بحث و نظر در موضوعی - گفتم که در آن دیدگاهی مخالف یکدیگر داریم.

می‌دانم که به گونه‌ای تند و گزنده درباره گروهی صحبت کرده و می‌کنم که خود را اصولگرایان (سلفیان) معاصر نام نهاده‌اند و دینداران پیش از بی‌دینان از تنگ‌اندیشی و



از راست: شیخ عمر التلمسانی، سومین مرشد عام اخوان المسلمین، سید هادی خسروشاهی و مهندس یوسف ندا (لوگاتو، ۱۴۰۵ ق)

گرفتاری در تناقض است. به نظر می‌رسد موضوع بحث عوض گشته و بحث جدیدی ایجاد شده است و در دفاع از این موضوع جدید، مرا به انکار تمام دستاوردهای دانشمندان اهل سنت متهم می‌کنند و یا اینکه مدعی می‌شوند من به تشیع دعوت می‌کنم، یا لاقلاً فرقی میان آن و مذاهب سنی نمی‌گذارم. این روش، الگوبرداری کاملی از جریان بی‌ریشه و سطحی‌نگر تکفیری هاست که ابتدا با دروغ پردازی و تهمت‌سازی، سخنی را به شخصی بی‌گناه نسبت می‌دهند و سپس او را به اتهام مخالفت با اجماع علما، کافر و خارج از امت اسلام می‌خوانند.

لازم است پرسشی را در مورد حدیث شریفی مطرح کنم که در بحث قبلی آن را نقل کردم و در آن، جبرئیل (ع) اسلام و ایمان و احسان را برای مسلمانان شرح داد. آیا طبق آن حدیث، شیعیان جزو این گروه‌ها قرار می‌گیرند یا دوستان تکفیری ما کلیدهای دیگری دارند که پیامبر اسلام (ص) تعیین کرده و جبرئیل نیز تأیید نموده است و هر که را بخواهند وارد عرصه اسلام و ایمان و احسان کرده و هر که را نخواهند از آن خارج می‌کنند؟! و آیا کسی که با آگاهی و بینش به سوی خدا می‌خواند، نمی‌تواند فرق میان گناه و کفر را تشخیص دهد و یا از نگاهی دیگر، نمی‌تواند فرق میدان گناه در توهین و سب اصحاب پاک پیامبر - خداوند از آنان راضی باشد - و خروج از امت پیامبر را تشخیص دهد؟

و آیا برای مسلمانان شایسته‌تر نیست که به توضیح اصول دین و رد شبهات بپردازند یا اینکه این کار همان گونه که برخی پنداشته‌اند، باعث تزلزل و نابودی شبهات و جمع شدن بسیاری از اهل سنت می‌شود؟ و آیا بر ماست که حق را فریاد زنیم که آن را نابود کنیم و آیا باید اسلام را شناخت و ترویج کرد یا آنکه با جریان رایج حرکت نمود؟ اطلاعات و کتابهای دینی مجاز! و ناقص و انتشار اطلاعات سیاسی هدایت شده و مغرضانه و هجوم مستمر و نابکارانه‌ای که بر مهمترین جمعیت شناخته شده اسلامی در عصر جدید صورت می‌گیرد، همه اینها مجالی را برای تغییر شیمیایی در ترکیب ژنتیکی اخوان المسلمین و یا وارد ساختن سلولهای فاسد در بدنه پاک این جمعیت بای نگذاشته است. شگفت آنکه تصور می‌شود برخی از ده‌ها شرح و گزارش ناقص ارائه شده، - درباره مطلب من - جامع و کامل بوده و

آمده‌اند که دین خدا و زندگی مسلمانان و غیرمسلمانان را تباه کرده‌اند.

فردی دیگر از سخنان آقای ناطق نوری مبنی بر اینکه بحرین روزگاری جزو خاک ایران بود، دستاویزی ساخته تا موضوع رابطه اهل سنت و شیعه را به موضوع ناطق نوری و ایران و یا ایران و بحرین تبدیل کند. آیا ما نیز همگام با او شده و سخن از رابطه ایران و حماس برانیم؟ یا اینکه با خاموشی و سلام از کنارش بگذریم؟

همچنین افرادی گفته‌اند اگر تلاشمان برای وحدت به ثمر رسید و مخالفت در نشر مذهب تشیع کنار گذاشته شد، در این صورت مجبور خواهیم بود جهت دفاع از بزرگان اهل سنت در برابر اتهام جانبداری ناآگاهانه از مذهبی دیگر، به شرح و توجیه بخش زیادی از نوشته‌های گذشتگان بپردازیم.

باید به این افراد گفت: ایست! مگر شما کی هستید؟ اشتباه حتی اگر اشتباه خوانده شود، نمی‌تواند توجیه کننده اشتباه دیگر باشد.

فرهنگ اخوانی و مذهب شیعی

این گونه برخوردهای تند و تهدیدآمیز خارج از فرهنگ اخوان است. اخوان المسلمین هرگاه با فتنه و آشوبی برخورد کند، در راه آرام ساختن و نه افروختن آن گام برمی‌دارد. این سخنان الهی الگوی رفتاری اخوان را تشکیل می‌دهند که: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگار دعوت کن. (نحل ۱۲۵) و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است، مجادله نمای. (نحل ۱۲۵) و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویند. (بقره ۸۳) و با مردم سخنی نرم گویند. (طه/۴۴)

شخصی دیگر گفته است که یوسف ندا نافرمان شده و از مذهب شیعه دفاع کرده است و تمام ایرادهایی را که دانشمندان اهل سنت از شیعیان گرفته‌اند، انکار کرده است. گویا به پذیرش تشیع تبلیغ می‌کند یا لاقلاً فرقی میان آن و مذاهب اهل سنت قائل نمی‌شود و از سوی دیگر تکفیر و سب صحابه بزرگ پیامبر را به بعضی از شیعیان نسبت می‌دهد که به این ترتیب در تناقضی گرفتار آمده است! ابتدا باید بگوییم که من تمام آنچه را دانشمندان اهل سنت جمع آورده‌اند، انکار نمی‌کنم، مگر آنکه از نظر مدعی این سخن، فهم و درک او مصداق تمام دانشمندان اهل سنت باشد.

همچنین نمی‌دانم چگونه بیان واقعیت،

روحانیون شیعه و آیات عظام بحث کردم و در حسینه‌ها و دستجات عزاداری حاضر شدم و حتی در جلسات بیداری و اصلاح در پادگانها نیز شرکت کردم.

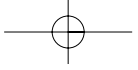
از تألیفات شیعی ناآگاه نیستم و به عنوان نمونه برخی از آخرین کتابهایی که مطالعه کرده‌ام، عبارتند از: دو جلد اصول کافی و پنج جلد فروع آن، الصیایغة الجديدة تألیف آیت الله شیبانی، الفقه و السياسة تألیف آیت الله شیرازی، ولایت فقیه تألیف آیت الله منتظری، المراجعات تألیف آیت الله اشرف الدین موسوی، فقه المذاهب الخمسة تألیف علامه شیخ محمدجواد مغنیه و بسیاری دیگر. میان من و بسیاری از شیعیان، رابطه دوستی و برادری اسلامی شکل گرفته و همچنان پای بر جاست و با وجود آن که از نوامبر ۲۰۰۱ میلادی تاکنون در بازداشت خانگی به سر می‌برم، با این حال همواره احوالشان را جویا هستم. و بعضی از آنها هم تلفنی جویای احوال من شده‌اند. بر همین اساس است که می‌گویم عقیده‌ام نسبت به شیعه با اندیشه و تدبیر و به صورت مستقیم حاصل شده است و از زبان کسی نشنیده‌ام؛ با این حال نوجوانی تازه از راه رسیده می‌پرسد: آیا چیزی خوانده یا شنیده‌ای؟!

ادعا نمی‌کنم که در مطالعه آثار شیعیان و یا گفتگوهایم با آنان و بازدید از اجتماعاتشان، به مواردی خلاف باورها و اعتقاداتم یا نمونه‌های از غلو برخورد نکرده باشم؛ لیکن بر این موضوع پافشاری می‌کنم که اختلاف ما با جریان غالب تشیع، تنها در فروع دین است نه در اصول. لازم است دین‌گرایان تازه‌وارد پیش از آنکه طوطی وار، سخنانی کم‌عمق و سطحی را تکرار کنند و به رغم نادانی خویش، کتابهایی در موضوع اصطلاحات فقهی تألیف کنند، از صاحب نظران در مورد اصول و فروع دین بپرسند تا بدانند که اختلاف در فروع دین باعث کفر و خروج از امت اسلام نمی‌شود.

این گروه سطحی‌نگر می‌پرسند چه کسی در میان امت گسترده محمد(ص) جرأت می‌کند نقاب و رویند را افراط و غیر ضروری بخواند؟ هر چند این نظر وجود دارد؛ ولی من چنین ادعایی نکردم. تنها سخنم این بود که فرهنگ و عقاید ما، پوشیده نبودن مچ دستها و صورت زن با حجاب را مجاز می‌داند. آیا این گروه می‌توانند مرا که به لزوم استفاده از نقاب امر نکردم یا زن مسلمانی را که بدون استفاده از نقاب، حجاب کاملی داشته و صورت و دستهایش را نپوشانده، خارج از دین اسلام بدانند؟ سخنانی را به من نسبت می‌دهند که نگفته‌ام؛ سپس بر پایه همین شایعه‌ها بر من هجوم می‌آورند. موضوع اصلی بحث را پنهان می‌کنند و موضوع دیگری را مطرح می‌کنند و در دفاع از موضوع خود ساخته، فهم و درک فقهی خویش را بر امت محمد تعمیم می‌دهند.

معارض دیگری چنین اظهار می‌کند که وقتی ناموس شخصی در ملأعام هتک حرمت می‌شود، با هر کسی که درباره ناموس سخن گویند، دشمنی خواهد کرد؛ حال اگر ام‌المؤمنین که ناموس همه مسلمانان است، از سوی گروهی هتک حرمت شود که یوسف ندا آنها را میانه‌رو می‌خواند، در این حال چه باید کرد؟

طبیعی است که این معترض خشمگین گردد و برای دفاع از ناموس خود و ناموس تمام زنان و مردان مؤمن که از ناموس خویش محترم‌تر است، به پا خیزد؛ ولیکن حق دارد مرتکب چنین گناه و خطایی را به کفر و خروج از امت محمد متهم کند و هر گناه‌اری کافر نیست. تکفیر بس است. تمام دینداران از رفتارهای این گروه تکفیری به ستوه



نظرها و اندیشه‌ها

نیمه اول و دوم مرداد ماه – شماره ۸ و ۹ – ۱۱

شیعیان را به مقدسات خویش برنتابند؛ اما دیدگاههای شخصی و درونی شیعه در مسائل پیرامونی شان به کسی ارتباطی ندارد.

به موضوع نوارهایی برمی گردم که به آنها اشاره کردی و گفתי در آنها به صحابه توهین شده است. انسان خردمند هنگامی که به نواری گوش می دهد، پیش از آنکه درباره مضمون آن تحقیق و بررسی کند، ادعاهای آن را بر جامعه‌ای بزرگ تعمیم نمی دهد. آیا فردی از شیعیان حق دارد نظر نادرست یکی از اهل سنت را بر همه آنها تعمیم دهد و بگوید این نظر همهٔ اهل سنت است؟

× از یک سو دانشمندان شیعه به صراحت اعلان می کنند که به این قرآن موجود در دستان مسلمانان باور دارند و هیچ قرآن دیگری نزد امام مهدی وجود ندارد و مصحف فاطمه و غیر آن، جدای از قرآن است؛ اما از سوی دیگر کتابهای حدیثی و اعتقادی و تفسیری شیعه که امروزه نیز به چاپ می رسند، آکنده از عباراتی است که دلالت بر تحریف قرآن و وارد آمدن زیاده یا نقصانی در آن دارد و بر این مسأله ادعای اجماع می کنند. چگونه می توان میان این دو رویکرد رابطه و سازگاری برقرار کرد؟

- باید از سخن گفتن درباره تحریف یا عدم تحریف قرآن دست برداشت. دانشمندان شیعه نظر قاطعی در این زمینه دارند و ادعای تحریف قرآن، نظر شاذ و بی ربطی است که به روایاتی غیرصحیح و غیرقابل قبول استناد دارد. قرآنی که در میان شیعیان تلاوت می شود، همان قرآنی است که در دستان اهل سنت است.

اما مصحف فاطمه، بخشی از قرآن و کلام خدا نیست؛ بلکه دعاها و یا تفسیر آیاتی از قرآن است که حضرت فاطمه آنها را از پدرش می شنیده و در نسخه‌ای که داشت، یادداشت می کرده است.

شیعیان در این زمینه با صراحت صحبت کرده و نظرشان را داده اند. هنگامی که از شیخ عبدالله منیع در این موضوع پرسیده شد، پاسخ زیبایی داد: باید از این سخنان دست برداریم و لازم است اعتراف کنیم که شیعیان قرآنی غیر از آنچه که نزد ماست، ندارند و این پاسخ همان سخنی است که شیخ قُرَضاوی گفته است... (این خلاصه‌ای از مصاحبه شیخ حسن صفار است). برادرم! اهداف متعددی در نگارش این نامه بوده است.

هدف اول، توضیح مجدد اموری بود که از صورت ماجرا حذف شده بودند یا اینکه دوباره در آن نوشته بنگری و اگر احساس کردی که اشتباهی از تو سر زده است، از خداوند طلب بخشش نمایی. بدان که قلب من سرشار از گذشت و بخشش است.

دوم به یاد داشته باش که این دعوت، ما را به رعایت اصول بحث موضوعی فراخواند و اینکه نباید رابطه مودت و برادری را میان هم بگسلیم که این رابطه مهمترین ویژگی ماست. سالهای دراز و سفرهایی طولانی پیش روی توست و با برادرانت، چه کوچک و یا بزرگ، و چه عاقل و یا شتابزده، و چه مؤدب و یا نادان و بی ادب گفتگو و تعامل خواهی داشت. اگر خواهان ثواب و تداوم در این مسیر هستی، تنها یک راه پیش روی توست و آن حکمت و موعظه حسنه است.

سوم امادرباره خود باید بگویم که در سرایشیبی عمر قرار گرفته‌ام و شاید شیطان میان من و برادرم به زور فاصله انداخته باشد و با این سخنان نمی خواهم گناه خویش یا گناه تو را نادیده بگیرم و تو را در آنچه مرا خطاکار پنداشته‌ای، عذر می خواهم و از تو طلب بخشش و مغفرت می کنم و اگر این دولطف را پذیرفتی، از تو انتظار دعا دارم. یوسف ندا، لوگانو، ۲۰۰۹/۵/۴م

است که بر نقاط اشتراک تمرکز نموده و از موضوعهای اختلاف انگیز دوری کنیم؛ به ویژه آنکه بیشتر نقاط اشتراک و اتفاق در اموری اساسی است که دین بدون آنها استوار نمی شود. برخلاف نقاط اختلاف که بیشتر آنها به مسائل فرعی برمی گردد. از نقاط اشتراک میان شیعه و سنی می توان موارد زیر را نمونه آورد:

۱- همگان در ایمان به خدای متعال و روز جزا و ایمان به رسالت پیامبری حضرت محمد(ص) و اعتقاد به کتابهای آسمانی پیشین و تمامی پیامبران مشترک هستیم. و همچنین اعتقاد داریم که حضرت محمد(ص) خاتم پیامبران بوده است و مبعوث شده تا پیام های آسمانی را تمام کند. این موارد پایه های اساسی ایمان و ستونهای دین است که همگی بر اعتقاد و باور به آنها همعقیده هستیم.
۲- ایمان به قرآن کریم و باور به مصونیت آن از تحریف و آنچه میان دو جلد قرآن قرار دارد، سخن خداوند است و هیچ یک از مسلمانان - چه شیعه و چه سنی - با این حقیقت مخالفتی ندارد.
۳- التزام و پایبندی به اصول و ارکان عملی اسلام مانند شهادت و گواهی به یگانگی خداوند و پیامبری حضرت محمد(ص) و برپایی نماز و روزه دارِی ماه رمضان و رفتن به حج خانه خداوند که هر دو گروه - شیعه و سنی - به این اصول و فریضه ها اعتقاد دارند و به آن ها عمل می کنند.

اما شیخ حسن صفار از مهمترین شخصیتهای شیعه در عربستان سعودی در مصاحبه‌ای می گوید: بُر این باورم که مشکل شیعه و سنی از اختلاف نظر در مورد صحابه نشأت نمی گیرد؛ چه آنکه بدگویی از صحابه و کافرخوانی آنان، جزو برنامه روزانه شیعیان نیست و آنچه در مورد کتابهای شیعه گفته شده، همگی درباره کتابهایی کهنه و قدیمی است. با نگاهی به اعمال و رفتارهای کنونی شیعیان، این حقیقت روشن تر می شود. آیا شیعیان بحرین و لبنان، صحابه را دشنام می دهند؟ یا حتی شیعیان عراق که از لحاظ سیاسی و امنیتی مشکلاتی دارند، آیا دشنامی از آنان بر ضد صحابه شنیده شده است؟

× دشنام و ناسزاگویی به صحابه شاید در مرکز آموزشی و پرورشی خصوصی شما صورت بگیرد؟

- مرا براساس یک احتمال بازخواست مکن. از چیزی بپرس که وجود دارد و آشکار است. توهین و دشنام عملی است که تاریخ مصرفش گذشته است. در برخی مراحل تاریخی، واکنشهایی از سوی شیعیان وجود داشته که اکنون دیگر وجود ندارد. دیگر چیزی بیشتر از این توقع دارید؟

دیدگاه شیعیان درباره اصحاب پیامبر(ص)

× دیدگاه شما درباره شیخین که خداوند از آنان خشنود شود و خشنودشان گرداند، چیست؟

- دیدگاه شیعیان در موضوع امامت روشن و واضح است. آنان بر این باورند که امامت بنا به تصریح حدیث پیامبر(ص) حق حضرت علی علیه السلام بوده. با این حال تاریخ می گوید امام علی که خداوند از او خشنود شود، با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کرد و در سایه خلافت آنان فعالیت نمود. بنابراین شایسته نیست که مورد توهین و بدگویی قرار گیرند. من نیز بدگویی را حرام می دانم و بیشتر از این نباید از شیعیان توقع داشت. بنابراین ما باورهایی قطعی در موضوع امامت و خلافت و خلفا داریم و هیچ جریانی حق ندارد دیگران را به خاطر باورهای قطعی و یقینی خویش محاکمه کند؛ البته این حق را برای همگان می پذیریم که باورهایشان باید از توهین و بدگویی مصون بمانند. اهل سنت حق دارند که توهین

در خود نگنجانده، آنها را تغییر و پیشرفت ندهند؛ چه آن که انسانها و گروه های بشری، حلقه های زمانی به هم پیوسته ای هستند و جماعت ها نیز... اما متأسفانه تو که به زور خود را در این بحث وارد کرده ای و بدون استناد به نص و دلیلی شرعی و تنها با اشاره به دیدگاه ها و آرای ناپسند به اعتراض برخاسته ای! لازم است بدانی که اظهارنظر، حق تو است و هیچ کس نمی تواند این حق را از تو بگیرد؛ لیکن این درست نیست که تو اختلافی موضوعی را به اختلافی شخصی تبدیل کنی و چنان در این مسیر گام برداری که نام مرا همراه بادشنام و اتهام به گناهکاری بر زبان بیاوری. ولی من در ضمن بحثی موضوعی و بدون این که نامی از تو بیاورم، پاسخ تو را دادم. با این حال دوباره در سخنرانی هایت از من نام برده و اتهامات گذشته را با دشنام و ناسزاگویی تکرار کرده ای و به ترتیب اصل موضوع در میان دشنامها گم شد.

من آن هنگام که اولین جستار را نوشتم، سخنانم را از زبان جمعیت و انعکاس اندیشه های آنان اعلام نکردم؛ ولی آن را پیش از انتشار برای مرشد فرستادم و ایشان مواردی که موافق نظرش نبود، حذف کردم. همچنین از او خواستم که جستارم در سایت جمعیت منتشر شود و انضباط را مراعات کردم که خود را بدون اجازه مرجع و مرشد خویش، سخنگوی جمعیت نخوانده باشم.

هم اکنون نیز من همچنان بر این باورم که بحث و گفتگوی عمومی درباره موضوع های شرعی، فکری و سیاسی باعث بلوغ افکار و رشد همزمان استعداد نوسازی و نوآوری می شود. نکات منفی این رویکرد و حرکت رسانه ای مورد بررسی قرار گرفته است و به این نتیجه رسیده ایم که هر قدر هم نکات منفی زیاد باشند، با این از بی اطلاعی و تاریکی مطلق بهتر است.

اما ادعای مخالفت سخنان من درباره شیعه با باورهای جمعیت و اظهارات دکتر قُرَضاوی نادرست است. جنبش دکتر قُرَضاوی در راستای انتشار مذهب در میان اهل سنت صورت می گرفت؛ اما به جز این، چه کسی تمام گروه های معاصر شیعه را به باورهای غالبانه یا ادعاهای کهنه و تاریخ مصرف گذشته بازخواست نمود و یا به بهانه تقیهٔ براساس قصدها و نیتها حکم کرد؟! تمام این ادعاها نادرست و مخالف دستورهایی است که ما را به بندگی خدا و برقراری رابطه برادری با یکدیگر فرمان می دهد. بر ماست که باورها و آیین های خویش را به گونه ای تغییر دهیم که ما را متحد کند و از پراکندگی باز دارد. در این زمینه سخنانی را از جناب مرشد عام و دکتر قُرَضاوی نقل می کنم تا با دیدگاه ایشان آشنا شوی؛ همچنین به پاسخ های شیخ حسن صفار اشاره می کنم که از مهمترین شخصیتهای شیعی در عربستان سعودی است.

در بیانیه ای که از سوی جمعیت اخوان در تاریخ ۲۰۰۶/۱۰/۲۱ در سایت رسمی این جمعیت صادر شد، از زبان شیخ مرشد آمده است: نقاط مشترک میان دو مذهب - شیعه و سنی - چندین برابر موضوعهای مورد اختلاف است. اختلاف میان دو مذهب در هر مجالی که یافت شود، به اختلاف دیدگاه ها و نحوه تفسیر و تأویل نصوص برمی گردد و اختلافی در اصول ایمان و ارکان اسلام وجود ندارد. بنابراین از لحاظ شرعی برای هیچ یک از طرفداران این دو مذهب جایز نیست که دیگری را تکفیر کند.

در بخش مسائل شرعی از بانک فتاوی سایت اسلام آنلاین^۲ در تاریخ ۲۰۰۶/۷/۱۷ به نقل از دکتر قُرَضاوی چنین آمده است:

از اصول مهم در گفتگو و تعامل ما با شیعه آن

کافرخوانی آنان در فشار و سختی هستند. نقد اندیشه از سلفی گری به این معنا نیست که از منبع دانش زلال و بی غش پیشینیان سیراب نشویم و از آنان تجلیل نکنیم و یا پیروی ننماییم، بلکه سخن من از جریانی است که در پشت این نام پنهان شده و عقل گریزی و بیزاری از غیر را در این دین ترویج می کند. این جریان هرگونه اندیشه و فکر مخالف یا خارج از درک و شناخت خویش را بدعت (نوآوری در دین) می خواند و اینکه بدعتی گمراهی است و هر گمرانی در آتش است، یا هر که ریشش کوتاه باشد و یا شلوار و پیراهنش بلند باشد، فاسق و گناهکار است. اگر کلیدهای بهشت در دستان آنان بود، بی تردید هیچ کس را راه نمی دادند! یکی از پیشوایان آنان به شیوه خودشان برایم دعا کرد و گفته است: خداوند یوسف ندا را هدایت کند و یا کمرش را بشکند!

همچنین می دانم سخنانم درباره شیعه و باورهای قاطعم در عرصه شرع و تاریخ و فقه و سیاست، در خلأ شکل نگرفته است و نسبت به اختلافاتی که میان ما و آنها در زمینه اندیشه و فرهنگ وجود دارد، بی توجه و غافل نیستم؛ بلکه ادعا می کنم به این سبب نمی توان آنها را کافر و خارج از امت اسلام خواند.

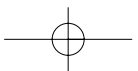
شاید آنچه من در میان اخوان یاد گرفته ام با آنچه تو شناخته و فرا گرفته ای، تفاوت داشته باشد و این موضوع، عیب و ایرادی به حساب نمی آید؛ چه، آنکه هر دوی ما از نسلاها و فرهنگهایی متفاوت و دارای تجربه های مختلفی هستیم.

راههای تعامل هر نسلی از نسلهای بشر، تنها در زمینه مادیات نیست بلکه در مسائل روحانی و معنوی نیز هست و در این زمینه تمام تمدنها با هرگونه فرهنگ و اندیشه ای هر میزانی از دانش و تجربه، باهم شباهت دارند. تفاوت نسلاها در تعامل با مسائل معنوی به شکلهای گوناگون از تفاوت در نحوه درک و شناخت آنان از مسائل معنوی، و تفاوت در پذیرش یارد غیر ماده، و تفاوت در پذیرش و ایجاد تغییر و نوآوری ی رد هرگونه تغییر، بروز می یابد. تربیت و همراهی من با اخوان نه تنها پیش از زمانی بود که تو وارد این عرصه شوی و شخصیت در درون اخوان شکل گیرد، که حتی پیش از زمانی بود که تو به دنیا آمده باشی! و این همراهی و تربیتی من تا امروز همچنان ادامه داشته است.

پیش از این بارها به صراحت و روشنی گفته ام که من ادعای نظریه پردازی یا پیشوایی فکری و یا مقام و درجه ای کوچک یا بزرگ در دانش فقه یا رهبری جمعیت اخوان را ندارم و هیچ کدام از اینها جزو تخصص یا فعالیتها و یا وظایفم نبوده است؛ بلکه از تجربه شصت ساله خود با گروه اخوان می گویم و عمری که با آنها سپری کرده ام.

به طور قطع تجربه من با آنچه تو تازه در میان اخوان تجربه کرده ای و از آنها دانسته ای، متفاوت بوده است و این سخن به معنای آن نیست که شخصیت اخوانی من برتر یا بدتر از تو است؛ تنها می توان گفت که ما با هم متفاوتیم و البته اخوان المسلمین، انسانهایی چندبعدی هستند و نه قالبهایی سخت و تغییرناپذیر! این گونه نیست که هرکس به اخوان بپیوندد، در قالب فکری خاصی قرار می گیرد که امکان تجدید و ابداع در آن نیست و تنها تکرار افراد قبلی است.

اسلام راه را بر خردورزی باز می گذارد و بستن فضای فکری را بر نمی تابد. این سخن نیز به معنای آن نیست که باورهای قدیمی امکان پوست اندازی و نوسازی خویش را ندارند و یا باورها و رویکردهای جدید، تجربه های گذشته را





نامه سرگشاده آیت الله محقق داماد به آیت الله هاشمی شاهرودی

اشاره:

نامه‌ای که ملاحظه می‌شود، نوشته استاد کرسی فقه و حقوق و فلسفه، دکتر مصطفی محقق داماد است. هرچند ممکن است برخی از کلمات آن به ذائقه برخی از خوانندگان ناگوار آید، اما هنگام مطالعه کلمه کلمه‌ی نامه نباید این احساس و این امتیاز را از یاد برد که نویسنده منتقد در جایگاه دلسوزترین و آگاه‌ترین شخصیت‌های برجسته حوزه و دانشگاه است. صاحب چنین قلمی جز خیرخواهی برای اسلام و انقلاب و ملت و نظام ناشی از آن‌چه انگیزه‌ای می‌تواند داشته باشد؟ آمیزه‌ای از درد و درک، پشتوانه این نامه است. بنابراین آنان که به برخورداری از نعمت شرح صدر مفتخرند نه تنها لحن و لسان گاه تند و تیز این نوشته و هر نوشته دلسوزانه و خیرخواهانه‌ی مشابه را تاب می‌آورند، بلکه خود را به پیگیری و پذیرش نکته‌های ظریف مندرج در متن آن موظف خواهند دانست. لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم. وقتی خداوند دوست دارد صدای رسای دادخواهان را هرچند جهر به سوء باشد، به طریق اولی دوست خواهد داشت زبان و قلم عالمان عدالت جویی را که صدایشان نه جهر به سوء بلکه جهر به حسن است. آیت الله مصطفی محقق داماد چنانکه بسیاری از خوانندگان و قوف دارند، از اهل بیت علم و دین است و همانند سایر اعضای این خانواده بزرگ، آدری بما فی البیت است. خوشبختانه رئیس قوه قضائیه، حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، خود نیز همین خاستگاه و همین جایگاه والا را داراست. بنابراین، اگر نویسنده نامه در مقام آمر به معروف و ناهی از منکر، داعیه‌ای جز یادآوری عدالت قضایی و جزایی ندارد، هیچ خواننده و شنونده‌ای نمی‌تواند از کلام و پیامی که به دادگستری و عدل‌پروری دعوت می‌کند استقبال نکند. در غیر این صورت به قول قویم امیرالمؤمنین(ع): *من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق*. متن نامه را با هم می‌خوانیم:

حضرت آیت الله جناب آقای هاشمی شاهرودی
ریاست محترم قوه قضائیه
با سلام و تحیات

به خاطر دارم نیمه اردیبهشت ۱۳۵۸ برای زیارت عتبات عالیات به نجف اشرف مشرف شدم. در بدو ورود مرحوم شهید آیت الله سید محمد باقر صدر طاب ثراه نگارنده را سرفراز فرمودند و به همراه یکی از دوستان مشترکمان به محل اقامت اینجانب تشریف فرما شدند و زیارت ایشان نصیبم شد. چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی که هرگز از خاطرم نمی‌رود. ایشان از مباحثات با ابن عمشان امام موسی صدر، و یادداشت‌های درس مرحوم والدما، آموزگار جاودان فقهات مکتب قم آیت الله سید محمد محقق داماد^۱ و نظریات جدید مطروحه در این مکتب سخن گفتند. از استاد مرتضی مطهری که شهادتشان تازه رخ داده بود و نظر ایشان گفتگو به میان آمد. آنگاه ایشان خطاب به اینجانب فرمودند این روزها آقای سید محمود هاشمی که گویی فرزند من است برای حفظ جان‌ش عراق را به قصد قم ترک کرده است و نوید دادند که ایشان می‌تواند صدیق همفکر گرانمایی برای شما باشند. من که نادیده خریدار شده بودم نخستین بار که جنابعالی را در قم زیارت کردم، درست همان یافتم که فرموده بودند. اینک به حکم ولایت دوستی، و با استفاده از حقوق شهروندی، مایل‌م که بی‌پرده سطور زیر را به عرض برسانم:

حضرت آیت الله

به عقیده اینجانب بالاترین و بزرگترین ره آورد تحولات قرن حاضر برای بشریت معاصر قواعد جزای عمومی و آئین دادرسی کیفری است. این گفته حقوقدانان جهانی به هیچوجه گزاف نیست که ارزیابی نظام قضایی و حقوقی یک جامعه بر محور قواعد جزای عمومی و آئین دادرسی کیفری و اجرای آن در جامعه دور میزند و بر همین محور باید سنجیده شود.

به موجب این گونه اصول قانونی است که اشخاص می‌دانند چه عملی جرم است تا اگر مرتکب شوند مجازات می‌شوند و اگر اجتناب کنند با خیال راحت می‌توانند در کنار خانواده با آرامش به زندگی ادامه دهند و کسی به آنان کاری ندارد؟ و در فرض ارتکاب به چه مجازاتی مجازات می‌شوند و چگونه و با چه آداب و موازینی مجازات بر آنها اجرا می‌گردد؟ و اگر متهم شدند از چه حقوقی برخوردارند و چگونه در دوران اتهام با آنان برخورد می‌شود و چگونه آنان می‌توانند دفاع کنند؟

معتمد این نظام نامه‌ها هرچند نگارش و تنظیم آن در قرن حاضر انجام گرفته، ولی مبانی و اصول آن چنان عقلانی است که نمی‌تواند با تعلیمات راقیه اسلام متکی بر اجتهاد مفتوح شیعی منطبق نباشد. و لذا در دوران سابق مورد تایید فقیهان بزرگ زمان خویش نظیر آیت الله نائینی و آیت الله مدرس اعلی الله مقامهم و خوشبختانه پس از انقلاب اسلامی مورد تایید مراجع رسمی قرار گرفته است.

معتمد که محور اصلی خواسته ملت ایران در انقلاب مشروطیت تحت عنوان تشکیل عدالت خانه در واقع تقنین همین اصول و موازین بوده و در انقلاب اسلامی هم، ما شاهد بودیم که یکی از انگیزه‌های خیزش مردمی نقض همین اصول در بیدارگاههای اختصاصی بود.

جناب آقای هاشمی شاهرودی
تحمل بفرمائید که به صراحت به حضوراتان عرض کنم که در زمان شما، نه نظراً بلکه عملاً، این رکن اساسی امنیت اجتماعی نه تنها متزلزل بلکه در ملاء عام ویران شد، و این بهای کمی نبود که ملت ایران پرداخت کرد.

توجیه شرعی نقض قواعد عمومی جزا و اصول محاکمات توسط برخی از دوستان، که فقاقت آنان را اگر بپذیریم درایت و آگاهی آنان را هرگز نخواهم پذیرفت، هرچند ممکن است ارائه و بر آن اصرار شود، ولی شما مرا می‌شناسید که فرزند فقاقتم، و دیرینه این درگاهم، فقیهان واقعی را از فقیهان رسانه‌ای بخوبی تشخیص می‌دهم. با شناختی که اینجانب از جنابعالی دارم، شما از آن دسته فقیهان نیستید، و امکان ندارد که از نظر فکری بتوانید با آنانی همراه شوید که توجیه گر شرعی اینگونه نقض قوانینند.

سخنرانی شما در سال ۱۳۷۳ در محل کار اینجانب فرهنگستان علوم پیرامون محدوده تمسک به مصلحت ثبت و ضبط است و بعید می‌دانم که در تقلب احوال تغییر نظری برایتان حاصل شده باشد. چند روز پیش در جلسه‌ای با حضور چند تن از مسئولان نسبتاً بالای نظام سخن از اخبار وقایع اسفبار روز و ستمی که بر مردم رفته است، در میان بود. آخباری که به طور مستفیض و بلکه متواتر اجمالی ثبوت آن مسلم و انکار آن غیر ممکن بود، (باز هم خدا کند دروغ باشد). ناگهان یکی از ذوات محترم سکوت را شکست و با نگاهی عاقل اندر سفیه رو بمن کرد و با پوزخندی معنی‌دار

گفت این اعمال که توجیه شرعی دارد!!! خدا می‌داند چنان مغز استخوانم را سوزاند که هنوز بیقرار و ناآرامم. یاد جمله حضرت مولا(ع) افتادم که فرموده است:

ولو کان امرء مسلماً مات من بعد هذا اسفا ما کان عندی ملوما بل کان عندی جدیرا. (نهج البلاغه)

مورخین آورده‌اند که وقتی حجاج بن یوسف ثقفی بدستور عبدالملک مروان خلیفه اموی، برای ایجاد خفقان و اسکات معترضین، همراه چند جلاّد وارد کوفه شد مستقیماً به مسجد آمد و مردم را فراخواند سپس بالای منبر رفت و اعلام داشت *هنا ای مردم! نه به کودکانان رحم می‌کنم و نه به پیرانان!* بیگناهان را به جای گناهکار مواخذه خواهیم کرد و به صرف گمان تحویل جلاّدان خواهیم داد! (آخذ بالثمّة و اقتل بالظنه)، همه این‌ها از اختیارات من است و هرچه من مصلحت بدانم عین شرع است!!!

تفکر فوق دقیقاً همان بافته و تافته تفقه مبتنی بر کلام اشعری است که نتیجه‌اش در کتاب المستظهری غزالی به خوبی مشهود می‌گردد.

اگر خدای ناکرده قواعد عمومی جزا و اصول محاکمات رعایت نشود و یا نقض قوانین با توجیهات ضداخلاق انسانی موجه گردد، زندگی به همین شرایط تلخ (العیاذ بالله) باز می‌گردد که مرگ بهتر از آن زندگی است.

ما که به پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و اجتهاد مفتوح مبتنی بر کلام عدلیه مبتهج و بر آن مفتخر و شاکر این نعمت بزرگ هستیم، هرگز مجاز نیستیم که در تشخیص حسن عدالت و قبح ستمگری که مردم خردمند ملتمان خودشان به بدهت درک می‌کنند قیومت شرعی نمائیم و تفکر آنان را تعطیل کنیم.

حضرت آیت الله
حضرت تعالی خدمات شگرفی در دستگاه قضایی البته که انجام داده‌اید که انکار آن ناسپاسی است، ولی با کمال تأسف و وقایعی در دوران ریاستتان به خصوص در روزهای اخیر رخداد که ملت ایران طعم تلخش را هیچگاه از یاد نخواهد برد. وقایعی که چه به دست کارگزاران قوه مجریه انجام یافته باشد و چه بدست ظابطین قضایی و چه بدست دارندگان پایه قضایی همه و همه مسئولش قوه قضائیه‌ای است که شما مسئولیتش را به عهده داشتید.

حضرت آیت الله!
مطمئن باشید شما در راس قوه‌ای قرار داشتید که علیرغم همه ویرانی‌ها و خرابی‌ها به دلیل طبع کار و ساختار باقیمانده از پیش هنوز هم قضات شجاع، متشخص، پاکدامن و دارای و ثاقت قضایی وجوددارند.

شما می‌توانستید با حمایت از استقلال قضایی بسیاری از مشکلاتی که ساعت‌ها وقت قوه مقننه را می‌گرفت و از کارهای مهمتر باز می‌داشت به آسانی حل کنید، که نکردید.

شما در حوادث اخیر می‌توانستید آمرین قانونی در هر پست و مقامی که هستند و مامورین متخلف از موازین اخلاقی را به دست قضات شریف آگاه به قوانین محاکمه کنید که لااقل تا امروز که واپسین روزهای ریاستتان است، نکرده‌اید.

شگفتا! کار قوه قضائیه به جایی رسیده که از یکسو توصیه به بی‌رحمی شوند و حدیث شریف لا دین لمن لا رحم له را فراموش کنند و یا

به گرفتن اعتراف!! مفتخر گردند و از سوی دیگر توسط ریاست قوه مجریه به رعایت رفت اسلامی و کرامت انسانی مورد خطاب قرار گیرند. البته بسیار خوب سفارشی بود که ایشان فرمودند- شکرالله سعیهم- ولی آیا بهتر نبود که رئیس جمهور دولت نهم به جای چنین خطاب بشر دوستانه به جنابعالی یا لا اقل در جنب آن، عتاب قانونی به وزیر کشورشان می‌کردند و وی را تحویل دستگاه عدالت می‌دادند؟ وزیری که تحت مسئولیت وی چنین وقایع شرم‌آوری اتفاق افتاده است مگر می‌تواند مسئول نباشد؟ آیا این نتیجه تاخیر حضرت تعالی در اقدام قضایی نیست؟

به موجب قوانین مدون مملکتی کلیه زندان‌های کشور زیر نظر قوه قضائیه اداره می‌شود، و مسئولیتش با این قوه می‌باشد. آیا بهتر نبوده‌که قبل از صدور فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر تعطیل زندان کهریزک، شما خودتان دستور بازرسی صادر می‌فرمودید و چنانچه آنرا فاقد معیارهای لازم می‌دیدید مبادرت به تعطیل آن می‌کردید؟ شما آنقدر تاخیر فرمودید تا این مدخل در دائره المعارف‌های جهانی بنام حکومت دینی ایران در کنار مدخل‌های زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب در زمان معاصر با کمال تأسف وارد شد. از منبع موثق شنیدم که یکی از مراجع تقلید معاصر که از راه دور محاکمه‌ای که از سیمای ایران پخش می‌شد پیگیری می‌کردند، به همان منبع فرموده بودند که بهتر است لااقل این محاکمات را که ننگی است برای قضای اسلامی!! از تلویزیون پخش نشود.

عزیزانی که با زندگی صاحب این قلم آشنا نیستند می‌دانند که صراحت وی تازگی ندارد و سوابق اورا قی که تحت عنوان گزارش خطاب به شورای عالی قضایی وقت و یا صاحبان مناصب اجرایی نگاشته شده و در بایگانی سازمان بازرسی کل کشور علی القاعده موجود است، گواه و اثبات کننده این مدعاست. صاحبان مناصب اجرایی آنزمان که در عمل به گزارشات این ناصح مشفق و درخواست خالصانه وی مبنی بر اجرای صحیح قوانین را اهتمام نکردند و آنروز او را در پافشاری بر نهادینه کردن زندگی مدنی و تحت لوای قانون را یاری نمودند، امروز گرفتار کمند نقض قوانین شده‌اند. و باز هم معتمد نقض قانون به نفع هیچکس نخواهد بود هرچه در آن تاخیر شود ظلم و ستم به همه می‌باشد.

از اینکه سخن به درازا کشید عذر می‌خواهم. آنچه عرض شد در این روزهای آخرین مسئولیت حضرت تعالی هر چند نوشداوری پس از مرگ سهراب است. ولی به هر حال این سطور شاید برای آیندگان مفید و برای شما نقطه افسوسی باشد که ایکاش در حوزه علمیه به کار تدریس و پژوهش ادامه داده بودید و هرگز به این ورطه خطیر پای نمی‌نهادید و به همان نقطه امید استاد شهید بزرگوارتان واصل می‌شدید.

عریضه را با بیتی از غزل خواجه شیراز به آخر می‌برم:
به قد و چهره هر آنکوه که ماه مجلس شد
جهان بگیرد اگر دادگستری داند
سید مصطفی محقق داماد ۱۱-مرداد ۸۸

امام خمینی و مقابله صریح با هتک حرمت مراجع و بزرگان دین

برخی از وقایع تلخ و ناگواری که در گوشه و کنار جامعه و کشور اسلامی رخ می دهد بسیار آفت زا و آسیب رسان می باشند و برای این نسل و نسل های آینده تهدید و خطر به شمار می روند و به همین دلیل نباید از کنار آنها گذشت و دیده فرو خوابانید و به تغافل و تسامح گرفتار آمد.

یکی از این وقایع آزاردهنده و خطرناک بی حرمتی و شعار علیه برخی از بزرگان حوزه و ذخایر نظام می باشد.

درست است که این حرکت کور توسط جمعی کوچک و ناآگاه صورت گرفته و می گیرد و دامان خیل عظیم عناصر فهم و دلسوخته در حوزه علمیه و خارج از حوزه از این آلودگی پاک و منزه می باشد لکن بنابر تصریح تعلیم اسلام مبنی بر کوچک نشمردن گناهان - اگرچه به چشم کوچک و ناچیز آیند - نمی توان از کنار این حرکات به سهولت گذشت و درباره آن به نقد و بررسی جهت یافتن راه مقابله نپرداخت. زیرا این حرکت کوچک که بسیار زشت و نامنتطبق بر دستورالعمل های اسلامی درباره مراقبت های اخلاقی می باشد همانند غده کوچک و چرکین در پیکر و جسم است که اگر با آن مقابله نشود و به جراحی و اصلاح درنیاید به سرعت رشد می کند و تمام بدن را فرا می گیرد.

درستی این سخن و تمثیل وقتی بیشتر ادراک می شود که می بینیم مشابه همین حرکات کور در گذشته نیز به وقوع پیوست و متأسفانه چون مقابله سریع و صحیح با آن نشد امروز تداوم یافت و مشکل و رنج ایجاد نمود. با این وصف این یک اصل پذیرفته و کاملاً موافق با تعلیم دینی می باشد که باید با این حرکات زشت و خطرناک با روش "پیشگیری" و همراه با تعقل و درایت مقابله شود.

اولین گام - که در عین حال مستحکم ترین گام نیز می باشد - کسب شناخت و بینش های لازم درباره شدت زشتی این حرکت و عملکرد می باشد. این شناخت و آگاهی نقش بسیار مهمی در فروکش کردن و به کاهش درآمدن این حرکات نکوهیده ایفا می نماید.

برای کسب این شناخت و بینش چه پشتوانه ای نیرومندتر از اندیشه ها و دیدگاه های جامع و ژرف حضرت امام خمینی می توان یافت به ویژه آن که این تفکرات و نقطه نظرات به دلیل خاستگاه اسلامی و فقهی آن در نظام قضایی کشور نهادینه شده است.

در سخنان بسیار عمیق و آگاهی بخش امام خمینی درباره اهانت و ناسزا به مراجع و بزرگان حوزه به طور خاص و اهانت و هتک علما و فضلالی اسلام به طور عام دقت روا داریم:

" من یک نصیحت می کنم به بچه های طلاب طلاب جوان که تازه آمده اند و حاد و تندند و آن این است که آقایان متوجه باشید اگر چنانچه ... کلمه ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می شود. کوچک فرض می کنید! فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می کنید! اگر به واسطه بعضی از جهالت ها لطمه ای بر این نهضت بزرگ وارد بشود معاقبید پیش خدای تبارک و تعالی توبه تان مشکل است قبول بشود چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می شود...

اگر یک وقت اختلاف اجتهاد در کار باشد

مثل سایر مسائل شرعیه اختلاف اجتهاد در کار باشد بچه ها و جوان ها نباید دخالت بکنند خطرناک است دشمن بیدار است. گمان نکنید که فحش به یک نفر است فحش به یک جامعه اسلامی است اهانت به یک جامعه اسلامی است و هن وارد شدن بر یک جامعه اسلامی است.

من که اینجا نشسته ام دست تمام مراجع را می بوسم تمام مراجع اینجا نجف سایر بلاد مشهد تهران هر جا هستند دست همه علمای اسلام را من می بوسم ... اهانت به آنها اهانت به اسلام است." (۱)

۱- در این رهنمودهای بیدارگر امام خمینی عمل اهانت و هتک مراجع و علما به وضوح محکوم و مطرود گردیده است و آفات و خطرات بزرگ آن نمایانده شده است.

اولین موضوع - که در واقع مهم ترین موضوع می باشد - خارج شدن از ولایت خداوند متعال است.

امام خمینی با استحکام و قطعیت اعلام می کنند که اهانت به مراجع و علمای اسلام موجب می گردد که بین شخص اهانت کننده و خداوند متعال "ولایت" منقطع گردد و این وحشتناک ترین اثر هتک حرمت مراجع و بزرگان روحانیت است که در حوزه و نظام مشغول خدمت به اسلام می باشند.

انقطاع ولایت بین خدا و انسان یعنی خروج از دین و به بیراهه گمراهی و ضلالت گام نهادن و به خسران عظیم گرفتار آمدن.

این حرکت زشت که به صورت دشنام و هتک حرمت و شعارهای " مرگ بر..." علیه بزرگان دین از مراجع و علمای وارسته در حوزه و نظام صورت می گیرد موجب خروج از دین و قطع ولایت خداوند با دشنام دهنده و هتاک می گردد و آخرت او را سیاه و تباه می نماید.

بدیهی است کسانی که به هتک حرمت و دشنام علیه مراجع تقلید و علمای بزرگ و خدوم می پردازند به آن دلیل که علیه نایبان عام امام عصر(عج) که خادمان دین و ملت و کشورند این عمل شنیع را مرتکب می شوند بنابه تصریح امام خمینی از ولایت خداوند محروم می گردند.

علاوه بر زشتی عمل دشنام و هتک حرمت علیه مراجع و علما اصولاً اسلام عزیز برای آبروی انسان مومن - هرکس و در هر لباس و موقعیت - اکرام و احترام قائل است و به هیچ وجه نمی پذیرد که افراد و گروه ها حتی با ظواهر اسلامی به مومنی اهانت کنند و او را تخریب و هتک نمایند چنان که به تصریح پیامبراکرم (ص) حرمت مومن از حرمت کعبه بالاتر است (۲) و امام خمینی نیز در ادامه همان سخنانی که درباره دشنام و اهانت به مراجع و علمای اسلام از نظر گذشت این گونه همین عمل زشت و شنیع را در کنار اهانت به مراجع درباره یک مسلمان و مومن محکوم می کند و همه آن ها را خلاف رضای خداوند متعال اعلام می نماید:

" توجه داشته باشید مبادا یک وقت خدای نخواستہ یک اهانتی به یک مسلمی یک اهانتی به یک مرجعی یک اهانتی به یک مومنی بشود که خدای تبارک و تعالی راضی نیست." (۳)

۲- مخاطب امام خمینی در این اعلام خطر بزرگ و آثار زیانبار آن گروهی از طلاب و روحانیون است و این جای تأسف فراوان دارد که کسانی در لباس روحانی و با مسئولیت های

بزرگی چون حفظ منزلت این لباس و مقام معنوی و پاسداری از دین و با وظیفه تبعیت از مراجع و بزرگان اسلام و یاری رسانی به مجتمع روحانیت در نیل به وحدت و پرهیز از تشتت این گونه در دام فتنه و تباهی می افتند و با تأثیرپذیری از باندهای مخوف سیاسی به تحرک مخرب و دشنام و اهانت علیه مراجع و عالمان فرهیخته و خدمتگزار به دین و ملت و کشور می پردازند!

راستی مگر نه این است که به کسوت و لباس روحانیت درآمدگان متعهد می شوند که الگوی جامعه در اجتناب از معاصی و پرهیز از فتنه و کناره گیری از فرقه گرایی و امتناع از اسارت در دام های جناح گرایی های سیاسی باشند!

اگر چنین است پس بی حرمتی و دشنام علیه برخی از مراجع و ذخایر انقلاب و نظام که در لباس روحانیت و دارای پشتوانه های علم و عمل صالح و جهاد علیه قدرت های استعماری می باشند به چه علت است! و چرا زشتی و خطر و زیان این عمل شناخته نمی شود و از آن اجتناب نمی گردد!

- ۳ امام خمینی این گروه از طلاب را با این عبارت معرفی می نماید: " تازه آمده اند و حاد و تندند."

حرکات حاد و تند و آن هم از جانب برخی از طلاب از آفات بزرگ حوزه های علمیه و از خطرانی می باشد که همیشه این مراکز علم و فقاہت را تهدید می کرده و می کند.

این گروه از طلاب به عمق و ژرفای اسلام راه نیافته اند و به آن دلیل که در سطح و ظاهر مانده اند و به ویژه به " نظام اخلاقی اسلام" نگاهی قشری دارند و همه اخلاق را در امور فردی خلاصه می کنند و آن هم به طور ناقص خود را در انجام هر عملی محق و صاحب نظر می داند و با پداخلاقی های خود خرمن دیانت خویش را به آتش می کشند و به خسران و زیان در دنیا و آخرت گرفتار می شوند.

حضرت امام خمینی مشخصه بارز این طلاب را "جهالت" می داند و به درستی این جهل بلای دین و انقلاب و نظام و کشور است و همه فتنه ها و آشوب ها و تنش و حرکات کور و آمیخته با تعصب و تصلب مولود "جهل" است و تا این آفت مرتفع نشود گرفتاری و رنج و بلا نیز همچنان آسیب و زیان می زند.

همین جهل است که به جمود می انجامد و همین جمود است که به برداشت های قشری و متضاد با حقیقت و جامعیت دین منتهی می شود و این گروه از طلاب نه تنها خطاها و تبیین های مغشوش خود را نمی شناسند که سخن هر ناصحی را نیز طرد می کنند. (۴) همچنین آنان با قیافه های حق به جانب خود را در جایگاه نظریه پرداز! و اسلام شناس! و مصلح! می نشانند و به گونه ای شگفت انگیز و خطرناک در برابر مراجع و فقهای جامع نگر و آگاه به زمان و علمای فرهیخته و آزاداندیش و خدوم در مراکز حوزوی و پیکره نظام اسلامی قرار می گیرند و در نهایت استوانه های فقاہت و اندیشمندان بزرگ اسلامی را متهم به انحراف از اسلام و گمراهی می کنند!

امام خمینی اعلام می نمایند که همین جهالت هاست که باعث می شود به حیثیت اسلام ضربه وارد شود و نهضت اسلامی لطمه

ببیند. (۵)

آیا مصداق آشکار و نمایان ضربه وارد کردن به اسلام و انقلاب دشنام و هتک حرمت مراجع و علمای اسلام نیست و آیا این عمل ثمره تلخ همان جهالتی نمی باشد که از مشخصه های بارز طلاب هتاک به شمار می رود

امام خمینی خطر بزرگ عمل سب و هتک بزرگان دین توسط گروه قلیلی از طلاب جاهل را به گونه ای دیگر نیز می نمایانند و آن این که اعلام می کنند: " توبه تان مشکل است قبول بشود."

این سخن امام خمینی در حالی مطرح می شود که این گروه از طلاب خیل عظیم عالمان مبارز و پیشگامان جهاد و خادمان واقعی و خالص ملت را که در لباس شریف روحانیت مشغول خدمت به اسلام بوده و هستند و همواره مورد اعتماد و علاقه شدید امام خمینی و رهبری معظم انقلاب می باشند در بیراهه باطل و خود را در راه حق و صراط مستقیم الهی می دانند و حتی تصور بطالت عملکردهای شنیعشان و نیز ضرورت توبه از رفتار و سلوکشان را در مخیله هم نمی گنجانند و با غرور نسبت به علمی که ندارند و ابراز رضایت از عمل صالحی که نمی شناسند و خودشیفتگی از خصال و صفات پاک و پسندیده ای که از آن بیگانه اند خویشتن را بالاتر از آن می داندند که عمل دشنام و هتک و تخریب بزرگان دین را ناصحیح و حرام بدانند که توبه از درگاه خدا را واجب و ضروری سازد!

- ۴ حضرت امام خمینی در این بیانات بسیار آگاهی بخش و راهنما برای امروز ما به یک مشکل و معضل بزرگ که به صورت رنجی مدام و پیوسته همواره مراکز حوزوی را آزرده و فقها و علمای آزاداندیش و دارای مشخصه جامع نگری در علوم و خصلت سعه صدر و شکیبایی در مناظرات ریشه دار فقهی را در تنگنا قرار داده است اشاره می نماید.

امام خمینی درباره این مشکل چنین می فرماید:

" اگر یک وقت اختلاف اجتهاد در کار باشد مثل سایر مسائل شرعیه اختلاف اجتهاد در کار باشد بچه ها و جوان ها نباید دخالت بکنند خطرناک است."

اولاً "اجتهاد" یک مقام والای علمی و فقهی است که در پی تحصیل طولانی در مراکز حوزوی و با تحقیق های متداوم و کنکاش و موشکافی های ژرف و کسب معرفت های عمیق و بینش های برخاسته از دانش های وسیع نسبت به موضوعات گوناگون فقهی به دست می آید و در نهایت "مجتهد" را در جایگاه استخراج احکام و صدور فتاوی دینی می نشانند.

ثانیاً " اختلاف اجتهاد" یک امر طبیعی و آشکار می باشد و از ضروریات حوزه های دینی و عامل رشد و شکوفایی علوم و کسب و دریافت دیدگاه های نوین فقهی می گردد.

ثالثاً کسانی که اختلاف اجتهاد را برنمی تابند از مصالح دین و ضروریات علوم دینی مطلع نیستند و یا مطلعند و به دنبال به دست آوردن محمل برای ایجاد اختلاف و تشتت بین فقها و علمای اسلام می باشند.

رابعاً چه نسبتی بین حرکات تند گروهی از طلاب علیه برخی از مراجع و علمای فرهیخته و مجتهد با اصل مهم "اجتهاد" می توان قائل شد



تعالی ولایت منقطع می شود. کوچک فرض می کنید! فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می کنید!

شگفت انگیز است که هتاکان و اهانت گران - چه در حوزه و چه در خارج از حوزه - با غرور نسبت به علمی که ندارند و ابراز رضایت از عمل صالحی که نمی شناسند و خود شیفتگی از خصال پسندیده ای که از آن بیگانه اند خویشتن را بالاتر از آن می دانند که عمل هتک و تخریب بزرگان دین را ناصحیح و حرام بدانند و توبه از این عملکرد را واجب و ضروری تلقی کنند!

هتاکان و حرمت شکنان باقیافه های حق به جانب خود را در جایگاه نظریه پرداز! و اسلام شناس! و مصلح! می نشانند و به گونه ای شگفت انگیز و خطرناک در برابر برخی از مراجع و علمای فرهیخته و خدوم در مراکز حوزوی و پیکره نظام اسلامی قرار می گیرند و در نهایت این استوانه های فقاقت و اندیشمندان بزرگ را متهم به انحراف از اسلام و گمراهی می کنند!

حضرت امام خمینی هم در مقام "مرجعیت" و هم در مسئولیت "رهبری انقلاب" با مشاهده کوچک ترین هتک حرمت و اهانت به مراجع و علمای اسلام برآشفته می شدند و خود را مکلف می دانستند که با متخلفین برخوردی صریح و سریع کنند. آنچه امروز به صورت هتک حرمت بعضی از مراجع و بزرگان نظام اتفاق می افتد در مقایسه با آنچه در زمان مرجعیت و رهبری امام خمینی به وقوع پیوست بزرگتر و خطرناک تر است. با این وصف چرا امروز مراجع و بزرگان دین سکوت اختیار کرده اند! آیا صدور یک بیانیه حداقل انتظاری نیست که جامعه و کشور ما از مراجع و بزرگان دین دارند!

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی

پاورقی:
۱- صحیفه امام موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ج ۱ ص ۳۰۷ و ۳۰۸
۲- میزان الحکمه ج ۱ ص ۳۹۰
۳- صحیفه امام ج ۱ ص ۳۰۸
۴- از امیرمومنان حضرت علی (ع) درباره این خصلت زشت جاهلان کلام ژرف و تأمل برانگیزی نقل شده است:
"الجاهل لا یعرف تقصیره و لا یقبل من النصیح له"
"جاهل تقصیر و خطای خود را نمی شناسد و نصیحت خیرخواه خود را نمی پذیرد."
(غررالحکم تنظیم موضوعی ج ۱ ص ۲۰۵)

۵- امام خمینی عامل اصلی تفرقه در مجتمع روحانیت را که بسیاری از مشکلات و رنج هارا دامن می زند نتیجه عملکرد تباه همین گروه از طلاب گرفتار در دام جهل می دانند و می فرمایند:

"من می دانم که بعضی از افراد یا به جهالت یا به عمد می خواهند تفرقه مابین این مجتمع بیندازند. تفرقه بین این مجتمع معنایش این است که در اسلام خدای ناخواسته خلل وارد بشود استعمار به آرزویش برسد."
(صحیفه امام ج ۱ ص ۳۰۷)

۶- منشور امام درباره مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی ۶۷۸۱۰ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۷۶

۷- همان مدرک ص ۱۷۷

۸- همان مدرک ص ۱۷۶

حضرت امام خمینی: من یک نصیحت می کنم به بچه های طلاب طلاب جوان که تازه آمده اند و حاد و تندند و آن این است که آقایان متوجه باشید اگر چنانچه کلمه ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام بین او و خدای تبارک و

و عامل خروج از دین می گردد و قبولی توبه هتک کنندگان را با مشکل جدی مواجه می نماید.

آنچه امروز و با فواصلی در چند نوبت توسط گروهی از طلاب به صورت هتک حرمت مراجع و بزرگان نظام اتفاق افتاد در مقایسه با آنچه در زمان مرجعیت و رهبری امام خمینی به وقوع پیوست و مواجهه قاطع و جدی او را برانگیخت بزرگتر و خطرناک تر است. با این وصف چرا مراجع و علمای بزرگ حوزه در برابر آنچه امروز از جانب گروهی از طلاب و روحانیون صورت می گیرد سکوت اختیار کرده اند!

مراجع و علمای ما با کدام حرکت و تلاش این اعمال شنیع را محکوم کردند!
آیا مراجع عظام نمی خواهند همچون امام خمینی با این پدیده شوم مقابله کنند
آیا صدور بیانیه ای - چه به صورت منفرد و چه به صورت مشترک - حداقل انتظاری نیست که جامعه و کشور اسلامی از مراجع بزرگ تقلید خود داشتند و دارند

آیا شرع و عقل و مصالح اسلام و انقلاب و نظام حکم نمی کنند که اگر در برابر این پدیده شوم نایستیم و به خارج کردن این غده چرکین از پیکر حوزه های دینی نپردازیم رشد و گسترش روزافزون آن را شاهد خواهیم بود و زمانی به خود می آئیم که دیگر دیر شده و آفت جهل و جمود آن هم در مراکز علوم حوزوی همه چیز را در معرض نابودی قرار داده است و نه تنها بزرگان دین از مراجع عظام و فقهای آگاه و عالمان آزاداندیش و فعال در عرصه های مدیریت کلان سیاسی نظام که حتی اسلام عزیز را در "غربت" می نشانند و آن زمان هیچ غریو و فریادی را ثمری نخواهد بود. و چنین مباد.

جز آن که به وضوح می یابیم که این دسته از طلاب هم به دلیل آنچه امام خمینی به نام "جهالت" از آن یاد کرد و هم آنچه "حاد و تند" بودن نام نهاد قصد داشته و دارند تا از اختلاف اجتهاد بین برخی از فقها و علما برای ضروری نشان دادن ارتکاب عمل زشت هتک و تخریب به منظور مساعدسازی زمینه های تحقق مطامع سیاسی جناح هایی که با سوار شدن بر موج فتنه همه خواسته های خود را برآورده می کنند بهره برداری نمایند!

چرا نباید این گروه از طلاب دریابند که از نگاه جامع و ژرف امام خمینی در طول تاریخ و در بستر زمان آثار فقهای اسلام از اختلاف دیدگاه های فقهی در موضوعات گوناگون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مشحون می باشد (۶) و چرا نباید بدانند که در دوران حکومت اسلامی گشوده بودن باب اجتهاد و تضارب دیدگاه های فقهی یک ضرورت است (۷) و با تحقق این امر نه تنها جای نگرانی و ناراحتی نیست که جای آرامش و خوشحالی و عامل پیشرفت است (۸)

۵- حضرت امام خمینی هم در مقام مرجعیت و هم در مسئولیت رهبری انقلاب با مشاهده کوچک ترین هتک حرمت و اهانت به مراجع و علمای اسلام برآشفته می شدند و خود را مکلف می دانستند که در برابر آن بایستند و بر مبنای تعالیم دین مبین و فقه شریف جعفری شدت شناعت و زشتی آن را بنمایانند و با مرتکبین این عمل برخوردی صریح و سریع کنند و از ادامه آن جلوگیری به عمل آورند. نمونه ای که از نظر گذشت و تعبیری که در آن به کار رفت نشان می دهد که به راستی مرتکبین عمل خطرناک دشنام و هتک حرمت مراجع دین و بزرگان نظام اسلامی موجب انقطاع ولایت خدا

ضرورت تطهیر فضای سیاسی به یمن طلوع خورشید ضیافت الله

آیت الله دری نجف آبادی



علما و مراجع و بزرگان مانند چشمان بینا و گوشهای شنوا و دیده بانان تیزبین رمز عزت و سربلندی و پیشرفت و وحدت و انسجام ملی و اقتدار اسلامی بوده اند.

انتخابات ۲۲ خرداد سالجاری نیز حماسه فراموش ناشدنی را در ایران و منطقه و جهان رقم زد و نصاب جدیدی را به معرض دید و نمایش جهانی قرار داد که در جهان کمتر نمونه دارد.

اکنون می خواهم بعرض همه دلسوزان نظام اسلامی برسانم که

مجاهدت و شرح صدر و فداکاری لازم دارد.

اینجانب بعنوان سربازی کوچک از اردوگاه امام راحل خمینی کبیر(رض) کمترین و کوچکترین خدمتگزار در نظام جمهوری اسلامی ایران بر خود لازم دیدم تذکراتی را به عرض برسانم باشد که بفضل خداوند متان مورد عنایت تمامی خدمتگزاران پاک سرشت نظام اسلامی و علما و بزرگان دین قرار گیرد: انشاالله

رسالت علما و نخبگان و فرهیختگان در صیانت از نظام اسلامی و آرمانهای امام راحل (رض) و رهبر معظم انقلاب اسلامی و پاسداری از خون مقدس شهیدان ملت بزرگ ایران طی دو قرن مبارزه و مجاهدت غیرقابل انکار است؛ مجاهدتی که توانست رژیم ستمشاهی راریشه کن و بنیاد جمهوری اسلامی ایران را بر ویرانه های کاخ استبداد استوار سازد.

در طول سه دهه گذشته همواره

تفرقه و تفتین می کوبند و پیوسته فضای بدبینی و تحقیر را دامن می زنند و بر شیپور اسلام ستیزی و ولایت گریزی می نوازند و همه چیز را سیاه جلوه می دهند و از کاه کوه می سازند و با تخریب و تضعیف و شیطنت بذر ناامیدی را در دلها می پاشند و تخم کینه را می کارند.

پس باید چه کرد و چگونه از این فضا عبور کرد و چگونه وارد شهرالله شد و چگونه از فرصت ماه رمضان برای اصلاح و تهذیب و تکمیل و تداوم مسیر اسلام و قرآن و امامت استفاده کرد در این رابطه رسالت علما و بزرگان و ارباب معرفت چیست مسئولیت نخبگان و فرهیختگان کدام است رسانه های عمومی و رسانه ملی چه باید بکنند براستی آیا ممکن است فضای صفا و صمیمیت و نورانیت قبل از انتخابات و حضور باشکوه چهل میلیون نفر پای صندوقهای رای دوباره تکرار شود!

آری! البته و قطعاً شدنی است. ولیکن شرط دارد و تلاش و

و ارزیابی عملکردها و جبران مافات است.

ماه رمضان ترنم عشق و شور و هیجان و نشاط برای پرواز سبکباران ساحل هاست. ماه رمضان فضای معنویت و آشتی با خدا و خدمت به بندگان خداست.

امسال ماه رمضان در شرائطی فرامی رسد که متأسفانه هنوز گرد و غبار فتنه های پس از انتخابات دلهای را آزرده و دغدغه ها و نگرانیها را تشدید و زمینه های تلخی و تلخکامی را پدید آورده و نوعی دلسردی بی تفاوتی بدبینی تنفر فرار از مسئولیت تهاون و سستی ضعف انگیزه ها و یاس و ناامیدی در برخی اقشار جامعه و بویژه نسل جوان بوجود آورده و چنانچه این موضوع ترمیم و بازسازی نشود ممکن است به یک بیماری مزمن تبدیل شده و بازسازی و جبران آن به هزینه های بیشتر و زمان زیادتر نیاز باشد و خسارتهای آن غیرقابل جبران باشد.

بویژه که دشمنان ما بیکار ننشسته اند و دائماً بر طبل اختلاف و

هلا ای زنده دلان بپاخیزیم که ماه ضیافت الله فرارسید

در آستانه ماه شریف رمضان المبارک قرار داریم و دلهای ارباب معرفت و زنده دلان و شیفتگان ضیافت الله برای حضور در ضیافت بزرگ الهی و شبهای نورانی قدر آماده می شوند.

خیل کثیری از اردوگاه عبادالله الرحمن از اوائل ماه رجب احرام طواف کعبه دل و درک لیلی قدر را بسته اند و برای حضور در ضیافت الهی و در ابواب رحمت رحمانی و رحیمی و فیوضات آسمانی آماده شده اند؛ ماه شریف رمضان بهار عبادت و بهار اولیاء الهی است؛ بهار انس و دعا و نزدیکی دلها به خداوند و نزدیکی قلوب به یکدیگر است.

ماه رمضان عید اولیا خدا و جشن عبادتگران و سیاحتگران عرصه های توحید و معرفت و فصل پرواز کبوتران حریم قدس و حرم امن خداست.

ماه رمضان فرصتی برای واکاوی و بازشناسی فرصت یکسال گذشته

اندیشه

نیمه اول و دوم مرداد ماه – شماره ۸ و ۹ – ۱۵

بدون تردید در باب ارائه مطالب و معارف اسلامی آنچه مهم است عنایت به اصول و اصولگرایی به معنی واقعی کلمه و رعایت روشهای فقاقت اسلامی و فقه صاحب جواهری است که پویا و پایاست. از هرگونه روشهای ملاحظه کاری و رودربایستی و مدهانه و سازش باید پرهیز نمود.

و اسلام اصیل را آنچنان که هست و سیره معصومین (ع) را آنچنان که بوده باید ارائه کرد واز اجتهاد به رای و سلیقه و خودباختگی و تفسیر به رای و اعمال سلیقه های فردی و گروهی و شیوه های من درآوردی و ساختگی و خوداجتهادی بی مبنا باید پرهیز نمود. تاکید بر اصل " ادع الی سبیل ربک " و ده ها آیه دیگر خود بهترین چراغ راهنما برای انجام وظیفه و خدمت صادقانه و خالصانه به اسلام و مردم است بر این مبنا نباید به مسائل اختلافی دامن زد و یا مسائل اختلافی را بزرگ نمود و یا جامعه را در ماه شریف رمضان که ماه دعا و کرامت و شرافت و تقوی است دچار التهاب و کج سلیفگی نمود.

و اما طلیعه ماه صیام دلهای زنگار گرفته و جانهای خمود و خسارت دیده را به نفحات قدسی اسحار ضیافت الله دل خوش نموده و خاک میکده عشق را مهیای رندی و طرب ساخته و کوکب بخت مومنین را هویدار کرده است که: " روزه یک سو شد و عید آمد و دلها برخاست

من زخمخانه به جوش آمده می باید خواست" عزیزان! بر سر سفره امام و شهدا نشسته ایم و همه به مثابه مسافران کشتی انقلاب سرنوشتی نه جدای از یکدیگر داریم - سرمایه های اجتماعی ما یکایک این ملتند و باید خود برای صیانت از آن به پا خیزیم و تصمیمات و اقدامات خود را طوری سازمان بخشیم که منجر به هم افزایی سرمایه های اجتماعی شود؛ به خود آیین و به خدا برگردیم و در دهه اول رمضان " دهه رحمت " رحما بینهم " باشیم و از رذائل اخلاقی تبری جوییم و شیاطین جنی و انسی را از مملکت درون و برون اخراج کنیم و بدانیم که امت پیامبری که " عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رثوف رحیم " بوده و باید ما به زینت و سرفرازی حضرتش گردیده و با اخوت و وحدت پاسبان کیان این میراث سترگ و فاخر باشند که معصوم (ع) فرموده باشد: " من بات و فی قلبه غش لایخیه المسلم بات فی سخط الله واصبح کذلک وهو فی سخط الله حتی یتوب ویراجع ".

که باید مصداق " کونوا دعاء للناس بغیرالسنتکم " باشند. باید خود الگو باشند که:

" دو صد گفته چون نیم کردار نیست " و بقول شیخ اجل (رض): " عالمی را که گفت باشد بس هرچه گوید نگیرد اندر کس " "والا زلت نصیحته عن القلوب " شرط تاثیر گذاری تعهد و تقید و پاکی و امانت و صداقت است ؛ لذا تبلیغاتی که با رفتار انسانها دوگانه باشد هرگز تاثیرگذار نخواهد بود؛ چرا که به فرموده قرآن مجید: " لم تقولون مالا تفعلون " رفتار ما باید دلالت بر گفتار ما کند و پارادکس نباشد؛ در حدیث شریف است که " ان آثارنا تدل علینا ".

موضوع مهم دیگر ادب در تبلیغ است ؛ قرآن کریم در آیات فراوان بهترین دستورات را بما داده و رسول اکرم (ص) بزرگترین مبلغ رسالت اسلام و اسوه حسنه در همه زمینه های تبلیغی و دعوت به خیر و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و برخورد حکمت آموز با مخالفان و معاندان و دشمنان است. و یک مورد کلام سست یا سخن ضعیف و یا حرف نامطلوب از آن بزرگوار تاریخ به خود یاد ندارد. در مباحث تبلیغی بویژه امور سیاسی از سیاه نمائی مطلق و سفیدنمائی مطلق باید پرهیز نمود. و بدور از افراط و تفریط و غلو و جناح بندی های سیاسی به وظیفه شرعی و قانونی و اخلاقی خود عمل نمود.

افراط و تفریط در این عرصه ظلم بزرگی به اسلام و مسلمانها و نظام اسلامی و رهبری معظم انقلاب اسلامی است . امام راحل (ره) می فرمایند: "چهره نورانی اسلام را برابر جهانیان روشن نماید".

در تبلیغات از مطالب غلوآمیز یا ضعیف و یا سخنان هجو و مانند آن باید پرهیز نمود و اجازه نداد تا چهره تابناک اسلام و اهل البیت (ع) با تبلیغات ساختگی و غیرواقعی و موهوم یا موهون یا اغراق آمیز و یا با شیوه های خشونت بار موجب وهن دین و بزرگان اسلام گردد.

کار تبلیغ دین و اسلام کاری است بسیار ظریف حساس با آداب مخصوص به خود و شرائط لازم در مبلغ و واعظ و راهنما و عالم و روحانی - و خود یک فن و حرفه و شغل است ؛ با ده ها شرائط و ویژگی و سلامت و صلابت و محبت و عشق به سرنوشت دیگران و خدمت به همنوعان و لذا کاری صرفا احساساسی و یا عاطفی و یا هیجانی و هیجان آفرین نیست تا با یک برنامه ساده اجرا شود بلکه کاری تاثیرگذاری روی انسانهاست .

است که موجب سقوط و انحطاط و تخاصم خواهد شد و تخاصم کار اهل آتش است و دامن اهل علم از این قسم خصایص مبری است که " الجاهل اما مفرط او مفرط " است. باید همه بالاتفاق هر نوع افراط و تفریط را محکوم نموده و از سوی دیگر از خرافه گرایی و موهوم پرستی که خود ظلم بزرگی بر پیکر اسلام و مسلمانهاست تبری جوییم. نباید اجازه دهیم حیثیت جامعه اسلامی با جمود و دگم بازی و خرافه گرایی و یا افراط و تفریط و تندرویهای بی جا و خشونت های وحشیانه ملکوک شده و نابخردانه به تاراج داده شود.

نباید بگذاریم ساحت مقدس اسلام ناب محمدی (ص) - اسلام حضرت رحمه للعالمین اسلام عدالت و صلح اسلام اخوت و محبت - اسلام پاکی و طهارت اسلام تقوی و انصاف اسلام رفت و مرحمت و احسان - اسلام - داد و عفو و صفح - اسلام - کرامت و آزادی و آزادگی و امنیت را به خشونت و اسلام تروریزم و وحشت تبدیل نمایند و حرمت دین خاتم پیامبران (ع) را با شیوه های غلط زیرسئوال برده و در اذهان ملکوک نمایند.

امام (رض) در پیام به خبرگان دو مسئله را به روحانیت یادآور شدند که امروز نیز از مهمترین و حساس ترین وظایف مربوط به روحانیت است.

الف: تاکید بر ساده زیستی و قناعت و عفاف و کفاف
ب: تاکید بر وحدت و انسجام و پرهیز از اختلاف ...

البته اختلاف به مفهوم اختلاف در حوزه ها و در مباحث علمی نه تنها مذموم نبوده بلکه مطلوب و موجب رشد و تعالی و تکامل است لیکن اختلاف بمعنی جر و بحث و جدال غیراحسن و ناشی از قدرت طلبی و جاه پرستی ناشی از غرور و جهالت

ناشی از جنگ قدرت و ثروت سم کشنده و زهر هلاک کننده است.

موضوع مهم دیگر شیوه های تبلیغاتی است چه در مسائل داخلی و چه در مسائل جهان اسلام و مسائل بین المللی که دارای شرائط و محدوده مشخص و بسیار ظریف حساس مهم و تعیین کننده و تاثیرگذار است.

بدون تردید قبل از هرگونه فعالیت تبلیغی شرط هر نوع موفقیتی پایبندی به اصول و ضوابط و تعهد و تقید به امور مربوط و سلامت مبلغ و دعوت کننده و واعظ و ناصح و ارباب ادب و هنر و رسانه هاست .

علمای اسلام است امروز همه ما مخاطب کلام نورانی الهی هستیم که " فاین تذهبون " و مگر نه اینست که خواص در لحظه های تاریخ ساز در معرض آزمون سخت الهی قرار دارند!

دشمنانی که اسلام و تشیع و جمهوری اسلامی ایران را هدف گرفته اند و در اشکال مختلف از حمایت از " سلمان رشدی " پلید گرفته تا کاریکاتور کذائی دانمارک و یا سخنان پاپ در دانشکده الهیات آلمان و یا حمایت از صهیونیستها و حمله همه جانبه به ملت مظلوم لبنان و فلسطین و نقشه راه کشیدن و سودای خاورمیانه بزرگ در سرپروراندن و یا جریانهای سیاه و پلید افراطی منطقه و تروریزم در عراق و افغانستان و پاکستان و یا حضور نظامی آمریکا و ناتو در منطقه و یا سرکوب نهضتهای آزادی بخش و غارت اموال و نفت و انرژی و... همه و همه نقشه های شوم استکبار و صهیونیزم علیه امت اسلامی است.

اینها توهم نیست بلکه تحقیقا توطئه در کار است که اسلام اصیل و بفرموده امام راحل اسلام ناب محمدی میدان دار نباشد و به جای آنکه سکاندار کشتی امت "افاضلهم" باشند "اراذلهم" گوی سبقت ربوده و کشتی امت واحده اسلامی را با ناخداهای منافق و التقاطی و ناخلف به گل بنشانند!

آنها با شناخت نقاط قوت و ضعف ما بنیادهای فکری و اعتقادی و فرهنگی ما را هدف قرار داده اند؛ علما و نخبگان و رجال دین و سیاست و حوزه و دانشگاه نباید و نمی توانند در برابر سیل تهدیدها و توطئه ها بی تفاوت و نظاره گر باشند.

بزرگان با ژرف اندیشی دوراندیشی آینده نگری مصلحت اندیشی - چاره ساز دنیای اسلام باشند و با وحدت و انسجام دست رد بر سینه نامحرمان گذارند.

باید با رایزنی و تبادل افکار جهت مقابله با توطئه ها برنامه ریزی و تدبیر نمایند و با تاکید بر اصل " کثره الحیله وقوه الراى " و دشمن شناسی و بصیرت در مواضع و اشراف بر حقایق به کشف و افشای ماهیت دشمنان بپردازند.

لاجرم در وهل اول نسبت به شناخت آسیب پذیری داخلی تدبیر نموده و ارائه طریق نمایند.

در این اثنا باید از تقریب فرق اسلامی هرگز غفلت نکنند که اهمال در این میدان خطیر گناهی بزرگ و نابخشودنی خواهد بود.

بدون تردید افراط گری و تفریط گری بزرگترین و منفورترین عاملی

رسالت علما مانند به عنوان وجدان بیدار و ضمیر خود آگاه جامعه رصد کردن شرائط و شناخت نقطه های آسیب و معبرهای نفوذ و سلطه دشمن و تلاش و مجاهدت در راه خنثی سازی توطئه هاست.

علما و بزرگان نظام اسلامی و روحانیت باید کانونهای فتنه و توطئه و خیانت و عمال و مزدوران و ابزار آنها را بخوبی بشناسند و برای خنثی سازی نقشه های شیطانی و مقابله با آنها برنامه ریزی و تدبیر نمایند.

بدون تردید نخبگان و فرهیختگان و بزرگان و علما و مراجع در جایگاه رفیعی قرار گرفته اند. که بفرموده امام حسین (ع): "ثم انتم ایتها العصابه بالعلم مشهور و بالخیر مذکوره و بالنصحه معروفه و بالله فی انفس الناس مهابه یها بکم الشریف و یکرّمکم الضعیف"

پس شما ای گروه نخبگان و فرهیختگان و یاران که نیرومند به دانش و علم معروف هستید و به خوبی و خیر شناخته شده و به خیرخواهی در جامعه مشهور هستید و به وسیله نام خدا در دل مردم حمایت می شوید شریفان از شما حساب می برند و ضعیفان شما را گرامی می دارند.

آری! ای بزرگان ای علما ای حصون اسلام و ای دژهای توحید و معرفت و ای سنگربانان عزت و شرافت و ای کانونهای امید و ای پناه نیازمندان و ای مناره های هدایت و ای مشعلداران فضیلت! اکنون وقت آنست که بداد اسلام برسیم و اجازه ندهیم دشمنان بیشتر شاد و دوستان مایوس شوند.

بدون تردید فرصت گرانبهای انقلاب اسلامی بسادگی قابل تکرار نخواهد بود و مشعل پرفروغ دین در گردباد حوادث دچار آسیب خواهد شد.

پس با تاکید بر اصول عشق به حق و توحید و عشق به صداقت و خدمت و عشق به وحدت و الفت بار دیگر پیاخیزیم و دشمنان را مایوس و خاک یاس بر چهره آنها بپاشیم و جوانان و جامعه خود را برای تداوم حیات طیبه امامت و ولایت و عدالت پشتیبانی و تقویت نمائیم.

براستی شناخت کانونهای توطئه و تهدید و مقابله با نظام اسلامی و بلکه با اسلام اصیل و ارزشهای اسلامی و بصیرت در امر دین و جریانهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی - آگاهی نسبت به حوادث روزگار و حادثه شناس بودن " و اما الحوادث الواقعة " را به خوبی تجزیه و تحلیل نمودن و بصیرت در برابر دسیسه ها و فتنه گری های آشکار و پنهان بیگانگان و عمال و مزدوران آنها رسالت عظیم

لانه تکانی، طرحی سعودی برای شیعه زدایی در عراق

بعثی ها و عرب های سنی تندرو در داخل دستگاه های امنیتی و ارتش عراق در استان نینوا (موصل) نفوذ کرده و اقدام به تامین امنیت تشکیلات بعثی ها و خبررسانی زودهنگام پیش از هر عملیات نظامی علیه آنها و حتی گزارش های غلطی از اوضاع موصل به دفتر نخست وزیری عراق ارسال می کنند. بر اساس این گزارش آمریکایی ها از همه این فعالیت ها و آنچه دستگاه اطلاعات عربستان سعودی در حمایت از بعثی ها و تکفیری های القاعده در عراق انجام می دهد، اطلاع کامل دارند و یک کمیته اطلاعاتی مشترک بین آنها برای پیگیری تمامی جزئیات درباره عراق وجود دارد. براساس این گزارش که منابع رسمی عراقی هنوز درباره آن توضیح نداده اند، عربستان سعودی برای اجرای طرح لانه تکانی بودجه کلانی اختصاص داده است . ریاض، تنها کشور همسایه عراق و از معدود کشورهای عربی است که از آغاز سقوط رژیم صدام در مارس ۲۰۰۳ تاکنون از عادی سازی روابط با بغداد خودداری می کند.

به نحوی که متناسب به منافع ریاض باشد، اصرار دارند. این گزارش می افزاید که حارث الضاری رئیس تشکیلات موسوم به هیات علمای اهل تسنن عراق که به اتهام همکاری با القاعده تحت تعقیب دولت عراق است و هم اکنون در اردن به سر می برد، نقش واسطه را بین عربستان سعودی و گروه های بعثی و القاعده بازی می کند. گزارش یاد شده می افزاید، الضاری تاکنون موفق شده که روابط بین بعثی ها و القاعده در عراق را بهبود بخشد و دو طرف در ماه های اخیر از انتشار بیانیه های شدید اللحن علیه یکدیگر دست برداشته اند. رسانه های عراقی افزوده اند که بیشترین نزدیکی بین القاعده و بعثی ها در موصل اتفاق افتاده و دو طرف هماهنگی خوبی در انجام عملیات تروریستی ایجاد کرده و نشست های مشترک برگزار کرده و حتی بعثی ها انتشار مجدد روزنامه الثورة ارگان سابق حزب منحل بهعث را که در زمان صدام منتشر می شد، از سر گرفته اند. این گزارش می افزاید که هم اکنون تعداد کمی از

انفجارهای دو روز قبل در روستای شبکی خزنه در شرق موصل و پیش از آن ، انفجار حسینییه ای در موصل که دهها کشته و صدها زخمی برجای گذاشت، در چارچوب این طرح اجرا شده است . عباس البیاتی عضو کمیسیون امنیت و دفاع مجلس نمایندگان عراق بعد از انفجارهای دو روز قبل موصل و بغداد، به صراحت به دست داشتن طرف های خارجی در این انفجارها اشاره کرد. شاهزاده بندر بن سلطان اولین بار نیست که به انجام طرح های ضد شیعی در عراق متهم می شود بلکه قبلا نیز چنین اتهام هایی علیه او مطرح شده و برخی افراد بریده شده از القاعده در عراق ، پیشتر فاش کرده بودند که رهبری تشکیلات آنها را افرادی از دستگاه های اطلاعاتی عربستان سعودی به عهده داشتند. گزارش رسانه های عراقی حاکبست اغلب دولت های اروپایی اتفاق نظر دارند که عربستان سعودی با حمایت از گروه های مسلح بعثی و طیف تندروهای عرب سنی ، بر تغییر معادله سیاسی در عراق

بغداد- رسانه های عراقی از طرحی سعودی تحت عنوان لانه تکانی به منظور شیعه زدایی از برخی مناطق عراق که عرب های سنی در آن اکثریت را دارند خبر داد. براساس این گزارش که به نقل از منابع دیپلماتیک اروپایی عنوان شده بدون اینکه به نام آنها اشاره شود، ریاض در یک طرح ضد شیعی که رییس سازمان امنیت ملی و وزیر اطلاعات عربستان سعودی در طراحی و اجرای آن دست دارند، تصمیم دارد در مناطقی مانند موصل و دیاله که عرب های سنی اکثریت را دارند ، دست به عملیات شیعه زدایی بزنند و بر این طرح عنوان لانه تکانی نهاده اند. شاهزاده بندر بن سلطان رییس سازمان امنیت ملی و شاهزاده مقرن بن عبدالعزیز وزیر اطلاعات عربستان سعودی موظف شده اند با برقراری ارتباط با بعثی ها و تشکیلات القاعده در عراق، طرح یاد شده را در این مناطق اجرا کنند. از جمله این طرح ها، پاکسازی شیعیان در روستای وابسته به قومیت شیعه تبار شبک است .

مجلس اعلای شیعه لبنان ربودن امام موسی صدر را جنایت عصر خواند

از آن زمان تاکنون از سر نوشت آنها خبری در دست نیست. مخالفان نظام لیبی می گویند که امام موسی صدر هنوز زنده است و در مکان خاصی توسط تشکیلات امنیتی لیبی نگه داری می شود و وی اکنون به شدت پیر شده و دهها کتاب تالیف کرده است. دولت لیبی این موضوع را رد می کند ولی در عین این حال پاسخ قانع کننده ای نیز در این زمینه نمی دهد.

آن نخواهد شد به ویژه که این سالگرد مصادف با چالش های بزرگی در لبنان، جهان عرب و جهان اسلام همراه است، چالشهایی که امام موسی صدر پرچم دفاع از آن را در دست داشت. امام موسی صدر به همراه شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین رونامه نگار لبنانی در ۲۵اگوست سال ۹) ۱۹۷۸ شهریور ۱۳۵۷)برای دیدار و گفت وگو با معمر قذافی رهبر لیبی به آن کشور سفر کرد ولی

مجلس اعلای شیعه لبنان در بیانیه ای که پس از نشست این مجلس و در آستانه سالروز ناپدید شدن امام موسی صدر و همراهان وی صادر کرد، این حادثه را جنایت عصر و لکه ننگی بر پیشانی توطئه چینان خواند. مجلس اعلای شیعه لبنان در بیانیه خود آورده، قضیه امام موسی صدر همچنان زنده است و مرور زمان موجب از بین رفتن

رهبر برجسته شیعیان مصر

تبلیغات رسانه‌ای "وهاپیون" علیه شیعیان مصر همچنان ادامه دارد

پیش می‌رود. این موضوع محدود به مصر نیست. اکنون گفت‌وگوی ادیان و مذاهب مختلف در جهان مطرح است و این جریان جهانی به پیشرفت منجر خواهد شد. البته تعدادی تندرو وجود دارند که خواهان بازگشت به گذشته هستند. وی درباره وظیفه مسلمانان در قبال شیعیان مصر گفت: مسلمانان باید تهاجم به هویت این افراد را محکوم کنند و برایی تظاهرات و اقدامات حقوقی با هدف برطرف کردن ظلم و ستم از شیعیان مصر می‌تواند تاثیرات زیادی بر وضعیت آنان بگذارد.

فشارها علیه شیعیان این کشور گفت: شاید مطرح کردن هلال شیعه که از کشورهای عراق، مصر و لبنان می‌گذرد توسط شاه اردن باعث شد تا مقامات مصر فشار علیه شیعیان این کشور را افزایش دهند اما تحولاتی که بعدها در سطح منطقه رخ داد، سبب شد تااز افزایش فشار علیه شیعیان جلوگیری شود و آنان هدف تبلیغات منفی رسانه‌های دولتی قرار نگیرند. راسم نفیس در ارتباط با چشم‌انداز وضعیت شیعیان در مصر گفت: به اعتقاد من تمام جهان به سمت افزایش آزادی‌های مذهبی و گفت‌وگو ادیان

وی بااشاره به‌نامه‌ای که ماه‌گذشته به‌وزارت کشور مصر فرستاده و طی آن درخواست به رسمیت شناختن حقوق شیعیان این کشور را مطرح کرده‌است، افزود:هدف از ارسال این نامه جلوگیری از روند دستگیری و سرکوب شیعیان بود که طی ۲۰سال گذشته ادامه داشت. ارسال این نامه سبب شد تا فشارها علیه شیعیان افزایش پیدا نکند البته تبلیغات رسانه‌ای وهابی‌ها علیه شیعیان را باید از این موضوع استثنا کرد. ولی رسانه‌های رسمی و نیمه‌رسمی مصر علیه شیعیان حملات تبلیغاتی انجام نمی‌دهند. این اندیشمند شیعه مصر درباره دلیل افزایش

یکی از رهبران برجسته شیعیان مصر با اشاره به تبلیغات منفی رسانه‌ای علیه شیعیان مصر اعلام کرد که تبلیغات رسانه‌ای وهابی‌ها علیه شیعیان این کشور همچنان ادامه دارد. دکتر أحمد راسم النفیس " درباره وضعیت شیعیان در مصر گفت: اکنون وضعیت شیعیان در مقایسه با قبل بهبود یافته به طوری که بازداشت و دستگیری آنان افزایشی نداشته است و تنها در موارد محدودی شاهد بازداشت تعدادی از شیعیان بوده‌ایم که آنان نیز به دادگاه فرستاده نشده‌اند.

تاکید بر فتوای شیخ شلتوت

مفتی مصر: استفاده از فقه شیعه جایز است

مفتی مصر اعلام کرد: استفاده از فقه مذهب شیعه به نفع منافع امت اسلامی مجاز است و هیچ حرجی در آن نیست. به گزارش فارس به نقل از مطبوعات مصر، دکتر "علی جمعه" در فتوایی اعلام کرد: استفاده از فقه مذهب شیعه به نفع منافع امت اسلامی جایز است و هیچ حرجی در آن نیست. علی جمعه تاکید کرد: ما باید به پیشرفت‌هایی که شیعه بدان رسیده اعتراف کنیم و اکنون همکاری با آنان ممکن است و مانعی در پیروی از مذهب شیعه وجود ندارد چون فرقی بین شیعه و سنی وجود ندارد.

مفتی سرشناس مصر با اشاره به فتوای شیخ "محمود شلتوت" رئیس فقید الازهر درباره تشیع افزود: امت اسلامی تازمانی که همه به سمت یک قبله و یک گونه نماز می‌خوانند، پیکره واحدی هستند و فرقی بین شیعه و سنی وجود ندارد. وی افزود: علمای

رهبر جماعت اخوان المسلمین مصر:

اختلاف شیعه و سنی پاسخ مثبت به توطئه‌های غرب و

صهیونیسم است

آزادی داد‌تاراه هدایت را که به سعادت منتهی می‌شود، انتخاب کنند.

عاکف با ابراز شگفتی از برخی تلاش‌ها برای ایجاد فتنه‌های طایفه‌ای در کشورهای اسلامی به ویژه فتنه‌های مربوط به اختلاف افکنی میان شیعیان و اهل سنت تصریح کرد: آنچه امروز اتفاق می‌افتد بی‌شک در راستای اجابت پیام الهی درباره ضرورت اتحاد مسلمین نیست، بلکه پاسخی مثبت به توطئه‌های کشورهای غربی و رژیم غاصب صهیونیستی و دیگر دشمنان اسلام است.

شیعیان مصر اخیرا در نامه‌ای به وزیر کشور خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق خود بر اساس قانون این کشور شدند.

خبرگزاری فارس: رهبر جماعت اخوان المسلمین مصر درباره توطئه جدید کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی برای ایجاد فتنه‌های طایفه‌ای در کشورهای اسلامی و اختلاف میان شیعیان و اهل تسنن هشدار داد. "محمد مهدی عاکف" در گفت‌وگو با شبکه خبری اَلعالم " با تاکید بر وحدت میان شیعه و سنی اظهار داشت: مسلمانان امتی واحد هستند و وجود مذاهب مختلف تغییری در انسجام، برادری، عشق و همکاری میان این امت ایجاد نمی‌کند.

وی گفت: خداوند انسان‌ها را به صورت گروه‌های مختلف آفرید و به آنها

